

عراق آزاد

کفدرآسیون محصلین و دانشجویان ایرانی
ایرانی احیای سازمان واحد جنبش دانشجویی
Shangdahome - Azar
Monthly Bulletin of Confederation
(National Union) of Iranian Students
فروردین ۱۳۵۶
شماره ۲ سال سیزدهم
مشارکتسازان: ۷۷

جاودانه یاد خاطره شهدای خلق

در ماه گذشته بر فراز محصوره طواف جیان و مپوشن جاسی و بنام امیر و پادشاه صابین زان مولی اکثر نیروی غزال آبی و سیمین و نسیرین پنجه شاهی و یک رفیق مرد که هوشش معلوم نیست با تبار خون خود بیچم انقلاب ایران را سرخ تر کردند. مبارزه قهر آمیز این دلاوران خلق مبارک که رژیم مغرور شاه و اربابانش نشان از آن خلق ما بیگزار از ارتجاع هراسی ندارند.

رفیق شهید محصوره طواف جیان هوس رفیق شهید پرویز واعظ زان و سایر لنها نیز گار خستر غیرت به ساز و فعالیست مشغول بوده است.

شهادت این رفقا غمزه دیگری است بر جنبش انقلابی خلق ما. در چند سال اخیر بواسطه ریشه جنبش خون بخونی مردم و همچنین ریشه جنبش سیاسی ایران رژیم مغرور شاه در هراس عظیمی فرو رفته و از همت اینگونه این جنبشها متحدا غمزه نهانی را بر پیکر پیسید مانی وارد آورده به کنکاش و شکمه بهترین خود اهران و برادران ما و سزکرب جنبشها و افزایش نیرو و عقان درون جامعه بیشتر پیس دست زده است. دیوانه دوران میخانه که با به شهادت ترسانان در هر دلیز کفر خود را معیتر کرده و با شکمه هر رفیق از هر نیکبخت گامگذاشته است.

همچون که از این امیال و پیشانیه قادر نبوده و نخواهد بود جلوی ریشه جنبش مردم را گرفته و یا آنرا از بین ببرد. شاه وطن بیرون برای اینکه چند صاعی بیشتر زندگی ننگین را ادامه دهد از هیچ کاری روگردان نیست و به قیمت خون همه ملت حاضر است صانع ایران را و پادشاه خود فروختن را تا بین کند.

ما کام به کام خلعمان در راه رفیقان شهدای جاودانمان از رویخیمان و همه عاملین سیه رویی ملت انتقام خواهیم گرفت.

برسر "مبارزه با گرافروشی" چه آمد؟

چندی است بیرونیان رستاخیزی به دنبال افتتاح "مبارزه با گرافروشی" که قرار بود چند ماهه مسئله کارکنان را حل نماید و گرافروشان را از خاک ایران زمین لایروبی نماید. با جدای بلندتری از گذشته اینبار در مدت "تثبیت قیامت" کنترل یا محدودیت و یا بالاخره "تعمین بن" تنها از طریق عرضه و تقاضا انجام میگردند. تثبیت قیامت را در چهار راه انداخته و در ادامه کار درون به یکبارگی برگشته رژیم حاکم انحصارگران خارجی و مزدوران رستاخیز "بیاد تولید کننده" افتاده که اعمایا به این ترتیب تمام تولیدکنندگان چه کوچک و بزرگ ضیق و علاقه خود را به فروش کالا از دست داده اند. بنابراین باید اجازه داد که آزادانه با هر قیمت که میخواهد کالا بخود را در بازار عرضه نمایند. از طریق عرضه و تقاضا قیمتگذاری کننده با طرح میباید که تولیدات داخلی را شکسته شد. هر چه برای تشویق مردم برای تولید کالا در بازار داخلی کشید. از آن جهت استفاده نمود و لحظه ای هم گواهی نکرد. در نتیجه تمام گرفته میباید که تعیین قیمت اجناس از بازار داخلی در سال ۵۵ "معمده" بازار تولید کننده گذارده شود تا هر قیمتی لازم شد بر کالا بگذاردند ۱۱۱

شهران اکثریست مردم ۱۱ دی ماه ۵۵ در این باب چنین می نویسد: "چند روزی دو سال اخیر مجموع قیمت گذاری کالا و خدمات بنحود جدی و در سطح گسترده ای موجب وضعیت و اظهار نظر بوده و مورد توجه و عمل مسئولان مربوطه نیز قرار گرفته و اکنون مشاهده میکنیم که نحوه اجرای سیاست کنترل شدید قیامت با معاین همراهِ بود. ده است. باین ترتیب که این سیاست تنها به ارزان شدن کالاها و خدمات بیشتر نگردیده بلکه بحیران طبیعی دودیده اقتصادی عرضه و تقاضا نیز لطمه وارد آورد."

سیمینار موفق سازمان آمریکا

در روزهای ۱۰ و ۱۱ ماه آوریل سال ۱۳۷۷ سیمینار مرکزی سازمان در دانشجویان ایرانی در آمریکا عضو کفدرآسیون محصلین و دانشجویان ایرانی (برای احیای سازمان واحد جنبش دانشجویی) و با شرکت بیش از ۱۵۰ نفر از اعضا و هیواداران کفدرآسیون از بنیاد ۷۰ واحد گروه کفدرآسیون در آمریکا و کانادا در شهر الکاهوساسیتی (ایالت الکاهوما) تشکیل شد. در شرایطی که در پی سه دو سال از برگزاری کفدرآسیون فکون جنبش دانشجویی میگذرد و کفدرآسیون جهانی به چندین باره تقسیم شده است و در زمانیکه روند یک شاه یکی از گسترده ترین حملات ضد انقلابی و سوسوم را بر علیه جنبش دانشجویی برپا انداخته است. گفتار رادیتی و مقاله نویسی در روزی نامه هسای در باره ی جوان "اسرار کفدرآسیون فکون میباید" و توظفه جیتی و همدستی بنسای پس کفدرآسیون امیرالیستی در حمله به جنبش دانشجویی خیال راهی نامودی این جنبش را در سر می پروازاند. در اوضاع و احوالی که نظارت راست و سازشکار هر یک بنوعی بر نفی واقعیت جنبش دانشجویی ما ضربه زده و برانگیختن آنرا حفظ می نمایند. این سیمینار مشت متکی بود بر دهان یاره سازمان رژیم و امپریالیسم. این سیمینار در درجه نخست بودی از اشاعه باد که علیه واقعیتها و ضربه ای که جنبش ما در دو سال از انتصاب بر کفدرآسیون جهانی میگذرد و در این دوران جنبش دانشجویی ما تحولات متعددی را شاهد بوده و راه یابی و چاره جویی برای حل معضلات گریبانگیز این نهضت از وظایف اساسی نام دارد. دانشجویان همین پرسیت است. بحث مسائل کمونی جنبش دانشجویی و وحدت متحد در صفوف برانگیزه آن از جمله مسائل عمده مباحث پای سیمینار بود و شرکت و چاره جویی همه جانبه شرکت کنندگان در این مباحث و بازاریاری اصولی دانشجویان یان بوری شتی و مواضع و دستاوردهای جنبش دانشجویی و ایمان نشان به ضرورت بازسازی تشکلات واحد این جنبش یکدیگر شتی و دستاوردهای جنبش دانشجویی از روز مبارزه با کلیه اجزای فکون که جنبش ما را از مسیر حرکتش به گمراه میزند و امید بخش آینده و روشن این جنبش میباید.

در طول سیمینار گزارشی از فعالیتهای دفاعی اخیر کفدرآسیون سازمان آمریکا ارائه شد و همچنین سیاستهای دفاعی کفدرآسیون و وظایف جنبش دانشجویی در مبارزه و تعرض بر علیه رژیم شاه و امپریالیستیهای غارتگر به بحث و بررسی سخنان گذارده شده. در تاراج چند ماهه کفدرآسیون در زمینه مبارزه علیه رژیم و دفاع از مبارزات خلق و پیوسته با توجه به ایجاد احوال کمونی جامعه باج یان هر روز مبارزات مردم بومی ضرورت یکدلیک تعرض همه جانبه بر علیه رژیم امپریالیسم را بناتیس رسانیده و ضمانت موفقیت این سازمان را در بر دارد.

سیمینار مرکزی سازمان آمریکا که چه از لحاظ اتحاد مستحکم بوده های وسیع دانشجویان بر علیه رژیم و چه از لحاظ استحکام هر چه بیشتر دانشجویان مبارز یکدیگر شتی و دستاوردهای جنبش دانشجویی و کامی مهم و ارزنده و پیروزی در تحقق وظایف کمونی جنبش سیاست. بیانگر قوام گیری هر چه بیشتر حرکت است که پیشگامی به پیشبرد پیروزی های هر چه بیشتر نهضت دانشجویی ما در خارج از کشور میباید و چنین بسیار.

اما جالب توجه اینجاست که هنوز یک هفته از این "آزادی ترخیا" و "قانون" عرضه و تقاضا نمیگذرد که این جراحیان باج بگیرد و وفان "سی انتصالی اصناف" و "بند بوری در قیامت بیژان مصرف کننده" و "امام سریز به آزادی قیامت و طرز اجرای آن معروض" میبندد و کوشش را از آزاد هبند و بالاخره از دهان کفصلی و وزیر یارزگانی بصراحت میبندیم که "با آزادیسی که از ترخیا آزاد بعمل آمد متوجه شدیم که تولید کنندگان و تولیدکنندگان و یا کسبه دوراندیشی آنرا ندارند که فکر کنند در یک جامعه نمیتوان هر نرخین که دلشان خواست همان نرخ را بگذاردند." (رستاخیز ۸ دیماه ۵۵) و آنوقت برای "تحقیق غمزه بیشتر مردم کسبه" حمایت از مصرف کننده تشکیل میگردد و در جلسات متعدد خود زمینه سازی لازم را برای طرح مجدد رژیم آماده میبندد. "کسبه کسبه استاز مصرف کننده و در جلسه اخیر خود به آزادی نرخ برخی کالاها و خدمات بندت تا اعتراض کرد و متذکر شد که با این تصمیم مقیوس مصرف کننده نادیده گرفته شده زیرا ترخیا تا حدود ۳۰٪ افزایش یافته و از سوی دیگر با اجرای این سیاست نظارت و کنترل ترخیا و نیز شناخت خلعان علیسی نیست." (رستاخیز ۸ دیماه ۵۵) و باز در همانجا بر ادامه میبندد "در حالیکه نرخ مصوب وجود ندارد چگونه میتوان متخلف را در مرکب کفدرآسیون است. تحت تعقیب قرار داد و از اینرو تصمیم نیز آزاد به صندوق دیگر غیر منطقی است. و سیر و گوی و بندها شروع میبندد و میبندد دو سال گذشته هزاران خرد فروشن را بجرم "گرافروشی" دستگیر و در سجنالهایی آراجمبری میکنند و در بازار شان را بجهت پدید راجدار و اینر میبندد."

رستاخیز ۳ اسفند ۵۵ با قیامت هر چه تا اینر میبندد "در ادامه مبارزه با گرافروشی در روز ۱۰ دادگاه کفدرآسیون و گرافروشان و گرافروشان زندان و پرداخت جرایم نقدی محکم شدند و ۳۰ واحد جنبش تعقیب شده. سنجشوی اطلاق استانی با بیختم ضمن اعلام این مطلب گفت در روز گذشته برزنده حدود ۱۲۰۰ گرافروشی را در کاجان کفدرآسیون فرستاده شد. و هزاران مثال دیگر از این به بند کشید تنها با میزان آورد تا بدینجه حیات این بنم مخلوقین برد و بالاخره جرایم این جرایم جنالها که مطمئنا ما هم اکنون در سزاقاران هستیم به آنجا میرویم که این خاتین به استاز آتاز دربی آن بودند و آن هیچ چیز مگر "تثبیت" و کنترل دوباره قیمت و انحصارگری مطلق از خاستن رژیم برای به ورشکستگی کشاندن و خیال بود مردم یا خدمت هر چه بیشتر در بحیران شرایط بخوانند و کوشش نیستند در این رابطه در ادامه گفتگوهای تفسیری مژدور می خوانیم "بهرحال برای اینکه تولید از بین نرود تا جایی تا حد معقول قیامت شتی را افزایش دهند که شرایط لازم را برای تولید و ارائه کالا و خدمات فراهم آورد. بند بیج به همانند نسبی عرضه و تقاضا برسیم و باید گفت یزدی سازمان نظارت و کنترل قیامت تشکیل میبندد." (رستاخیز ۸ دیماه ۵۵)

و چنانکه این خاتین مزه و اعلام میدارند که گزانی امری است طبیعی و ما برای مبارز کردن آن "بفتح" میبندد که به راه حل دائمی و قیامت تثبیت دوباره قیامت و کنترل خود فروشان آگهی و بازاریان از طریق سازمان جنبش نظارت و کنترل قیامت "مطمئنا تثبیت نمیشد. در سطحی برارسی بالاتر از دو سال گذشته باشد. چرا که خیال و درونی و بانگیزی اوج بیشتری گرفته است."

رژیم بخونی میبندد که تلاشهای مزورانه اش برای "مبارزه با گرافروشی" که از مدتها قبل تحت عناوین "مبارزه با تولید الیسم مشتم" "مبارزه بنسای با صله و جاک شیوه جان مردم را میبندد" همراه با تهدیدهای نظامی و اقتصاد بخیه در صحنه ۲

اول ماه مه

امسال با فرا رسیدن اول ماه مه، نور و یکمین سالروز هشتک کارگران فرا می رسد. و کارگران و سندیکان و زحمتکشان جهان با شوق و شغف فراوان این روز تاریخی را جشن بگیرند. در مبارزه دوران ساز خود علیه امپریالیسم و سکان زنجیرشان تجدید عهد میکنند. در کشورهای مانند چین، آلبانی، کره شمالی ویتنام و... که طبقه کارگر بقدرت رسیده این روز باشکوه هر چه بیشتر جشن گرفته میشود. و در دیگر نقاط که ارسین هنوز سلطه بیرونی و ارتجاع حاکم است طبقه کارگر و زحمتکشان این کشورها با تحمل سختی های فراوان این سنت را زنده نگه میدارند. در کشورهای مانند: شوروی و اروپای شرقی که زمانی طبقه کارگر خود قدرت را بدست داشت و در روز اول ماه مه نیز کترین جشن ها را بر پا میکرد بعد از بوری کار آمدن بانه هائی از قبیل خرویش و شرکا. این روز فقط از جنبه تبلیغاتی تی و نیز "جشن گرفته میشود تا جیره رسوای اینان پوشیده بماند و عیاری از پشتیبانی واقعی زحمتکشان و بخصوص کارگران می باشد.

در کشورهای سرمایه داری غرب و نیزه آمریکا همواره سخن گفته است اهمیت این روز تاریخی را فراز دادن آنترنایوهای دیگر برای "جشن دیاکونی" گامگشته شود. به نظر مثال تعیین کردن روز اول ماه مه بعنوان "روز قانون و امنیت" یا "روز پلیس" و یا "روز توجیه سلامت کودکان" و تعطیل کردن پلیسها برای "جشن گرفتن و تمام دستگاههای تبلیغاتی خود را در اختیار و تبلیغ این نوع عوام فریبی ها مشغول کننده فراز دادن بزرگترین اهانتها را به طبقه کارگر انجام داده و سعی در پوشاندن عین سیما نه جویسها را به طبقه کارگر در سال ۱۸۸۶ دارد. و در عصر روز ۴ سنجار ما بطور شت و آموری و از خرجین "گرم بیروزی بعنوان روز کار" خوانند و این امر را از نکات به اصطلاح مثبت "اتحاد بهای کارگری" خود جا زدن که تو کوشی به این طریقی میتوانست مبارزات درخشان روز اول ماه مه کارگران و این سنت تاریخی را لجن پال کنند و بزرگداشت این سنت را از کمیته خاطرات زحمتکشان و پیوسته کارگران برانید.

علت اینکه این روز برای کارگران جهان تا این حد گرامیست و از طرف دیگر امپریالیستها و سرمایه داران تا به این درجه با آن کینه جوی میکنند چیست باید از پایان حکم داخلی آمریکا و بیروزی شمال یعنی در محقق پیروزی سرمایه داری سو پای شتان بر بردارن جنوب بر سر آزاد کردن نیروی کار بیشتر برای استثمار در کارخانجات سرمایه داران در شمال و سطر و روابط سرمایه داری تعداد زیادی از سرمایه داران و برده مان آزاد شده به سوی کارخانجات سرمایه داران روان گشتند و سرمایه داران هم که در آن ایام (۱۸۸۶) با روز کار ۱۲ تا ۱۴ ساعت برای کارگر آماده استثمار شدید تر آسید. کارگران با این شکر وسیع ارضی کار را به کارخانجات خود کشیدند تا شایسته از نل ارضی اضافی تولید شده بوسیله کارگران خود تر گردانند. کارگران که اثر جنگ علیه برده داری تا حد حدی کاهمی اساسی بدست آورده بودند و هم چنین به خاطر سرب تعداد زیادی کارگران مهاجر از کشورهای اروپایی که با تبلیغ امپریالیسم اوج برای کمک به شمال به آمریکا آمده بودند و با ایده های انقلابی کارگری آشنایی بیشتر داشتند و هنوز خاطره دلاوریهای کویارها و جنگوشان در اذهانشان زنده بود. شعار هشت ساعت کار روزانه درین گاهن دستخورد را به پیش گذاردند و مدت دو سال برای نظاره ترمیمی در اول بقیه در صحنه ۲

سرنگون باد رژیم ارتجاعی و وابسته پهلوی!

سطح ناپولی میرسد به همین طبع وضع بانکهای ایرانی نیز در ورطه ورطه است. گدازنده است بنابراین با تمام مصلحتی که در زمین در مقابل خود برای آنگردن کل لاهای بخیل در بازار مینماید و از طرفی چون دولت و بانک پولی خود از بار کسندگان عدله کالا هستند و احتیج به بازار ماست برای سود خویش هر چه بیشتر دارند در نتیجه زمین به سیاستهای نین مینند بطور مثال در رابطه با افزایش جدید کشتیهای و بنامر همینکه از یکطرف طرح نوبتی تحت لیست اینکه کالاها میانه نمیتوانند وارد شوند و از این به بعد زمین لیست کالاها را - زرم به وارد کنندگان کالا میدهند تا بر مبنای این لیست زمین بپایند کنترل کامل کالاها را دارد شده را در دست داشته باشد از طرف دیگر همین قانون جدید آ - زاد گذارین نیز برای مدتی هر چند کوتاه و حسین "تحت قیمت" در سطح بالا تر به منظور تشویق وارد کنندگان کالا تا کالا های خود را در بازار عرضه نمایند این مانعها خود نمونه خوبی برای روشن شدن محتوی واقعی این برنامه های تازه رو شده میباشد .

در انتها اگر بخواهیم تمام گفتههای بالا را جمع بندی کنیم و نتیجه گیری لازم را به انجام رسانیم چنین خواهد بود :

پسودگی نظام اقتصادی ایران و برپایی تولیدات داخلی چه کشاورزی و چه صنایع در اثر وابستگی مطلق اقتصاد ایران به اقتصاد بحران زده امریالیستی و همچنین به منظور تحقیق این بحران سیاستهای خانمان بر انداز و ضد مردمی رژیم از جمله سیاست "درهای باز" و "سیاحت" "تحت قیمت" که منجر به ورشکستگی بخش خصوصی از خود فریشتی گردیده و از یکطرف جریان طایب اشتغال "فروشکسته ایران" در میاروی موزع تولیدی و موزع زمین و نظامی تسلطی و نتیجتا کسری بودجه عظیم که در چند سال اخیر نشان بهمان شدت یافته و همچنین به گردن زانان پول بیشتر بدون هیچگونه پشیمانی تولیدی از طرف دیگر به هیچ چیز دیگر ترم بیشتر در جامعه دام امتیاز و هر روز زمین ترم از عین ترم مسازر - بنابراین این توجیه بکنه نکات بالا و ذکر امار و ارقام افزاینده است که در چند سال اخیر بخش روشن مگردند که سیاست نین رژیم در بر تو شرایط کومبی جامعه خالی از این است که :

۱- بالا رفتن قیمتها در چندین نوزان ترمی که در صد آن ترم ۳/۴ را کده رانده این اجتناب ناپذیر میباشد و زمینه "تختها" هر زوزه بیشتر از گذشته اندامه خواهد یافت .

۲- "تخت" عرضه و تقاضا "کومی رژیم در شرایطی که تولیدات داخلی تقریبا از بین رفته و تولید کنندگان کوچک اکثر ورشکسته گردیده اند نه اشتیازی برای خرید و فروششان و مردم است بلکه تمام خدمت بورژوازی بزرگ وارد کنندگان کالا میباشد تا بدین ترتیب بتوانند محصولات خود را "تختها" بپوشی که میخواهند در بازار بفروش رسانند تا سود آمیزی خود را از فروش کالا های بخیل به بالا نین حد ممکن برسانند در این میان بانک پولی بحران وار کسند شده کالا بیشترین سیر - ه را خواهد برد .

۳- این سیاست و برنامه نین همانا در تکامل طرح "مارزه با گرانفروشی" بود و هیچ چیز دیگری نیست در نتیجه با تجربه در سال گذشته بخش همین که نه تنها جلوی رشد بازار گرفته نشده است بلکه هر چه بیشتر به آن دامن زده و قیمت ها در جریان رشد فزاینده قرار گرفته است .

۴- این سیاست انحصارگری دولتی و بخش خصوصی پولی و در زمینه تهیه و توزیع کالا به سطح عالی ترین ارتقا داده و کنترل کامل را در دست این بانک ترم کر نمیناید . بطوریکه در رسانخیز ۱۰ فروردین ۵۵ میخوانیم "با انجام ۵۰ شرکت تعاونی تهیه و توزیع کالا در اتحادیه به های صنی برای هدف عوامل واسطه از سطح تولید و بازار مصرف انان ااضاف اینجند تسهیلات نامای تمام ترم - کر تهیه و توزیع کالا و مواد غذایی بوجود آمده تا بتواند با یکجای واحد های صنی و جامعه مصرف کننده باشد و یا در جای دیگر مگوید "معالوا در برنامه های آینده بر تعداد فریگهای مواد پریشینی در سطح شهر افزوده خواهد شد و همچنین تعداد نمایندگی های تهیه و توزیع برنامه فعالیت های خودی افزایش دهد و گروهی دیگر از اتحادیه ها نیز شرکت های تعاونی تهیه و توزیع - کسل میدهند .

اینان همگی مطالبه های بسیار کوچکی برای جلوگیری برخورد ارتجاع حاکم به خوده فروشان در تکامل سیاست "مارزه با گرانفروشی" که هیچ فکر نابودی خوده فروشان و انحصارگری در توزیع را بهرمانه نداشتند میکنند . رژیم اینبار نیز اصافت را بر هم افرازم نموده و تحت کنترل هیئت های مسلحی در میارود و سپس شرکت های تعاونی و فریگهای دولتی و خصوصی را بسط و گسترش داده و کنترل تام قیمت را در دست میگیرد و مداوما بالا بردن آن فشار را بر روی توده زمختین هر چه بیشتر مینماید و در آخر برای سریش نهادن بر روی تمام خیانتهای رژیم از این صحنه "تختها" و غیره میزند .

لیکن اینان فقط خیال های پیچ و سی اساس و تفرات و اشتراکات آریامیری است که جوانین را در طردن در سال گذشته در برخورد های توده های مردم به برنامه "مارزه با گرانفروشی" بخوش مشاهده نموده ایم .

بطوریکه آنگر سوسل لندن در ۱۳ دسامبر ۱۹۷۵ نوشت "سیاسی از دانشجویان دانشگاه خود را از این طردن صرف گرانفروشی به دلیل اینکه سوسله نشانی طردن شده است کنار کشیدند .

این برنامه و تمامی سیاستهای سزا با ارتجاعی حکومت پولی در راستای علت ماهیت ارتجاعی این سیستم حاکم تنها باعث رشد و شدت یابن تضاد های طبقاتی جامعه گردیده و این تضاد ها نیز باعث رشد توان انقلابی توده میگردند

و زمینه حرکت وسیع خلق را در اثر سرنگونی رژیم مغرب پولی آماده تر میسازد و در افق نمایان فرادی پر شکوهی را ترسیم میکند که در آن اشتراک و ستم بدست توده های زحمتکشان زود به خواهد کست و بر بربرانه های کج عاج وزیر پولی ایرانی مستحق و دسترکاتیک بنا خواهد شد .

کارگر و دهقان . . .

مردم و بیوزه زحمتکشان ایران امکان پذیر بوده و در نتیجه جنبش دانشجویی در یافته است که زمانی قادر بر انجام طبقه اجتماعی خود میباشد که در خدمت مبارزات مردم بیوزه زحمتکشان قرار گیرد ."

ستگری جنبش دانشجویی ما بسوی زحمتکشان از این واقعیت بر میخیزد که زحمتکشان نیروهای اناسی انقلابیون بوده و مگر با دست توانای انسان آزادی و استقلال واقعی نصیب مردم ایران نخواهد شد و جنبش دانشجویی ما نیز پنجانه - حقیقتا خواهان ایفای نقش شایسته خود در انقلاب ایران است باید چنین سمت و سوزی را فریض گیرد . در مبارزه طبقاتی سهمگینی که در عرصه خودام در جریان است جنبش دانشجویی در راه بیشتر در مقابلش نیست - یا متحد و هم پیمان زحمتکشان و بیوزه طبقه کارگر باید باشد و یا بتدخیره طبقات سازشکار یا مرتجع در آید . معیار انقلابی بودن یا نبودن جنبش دانشجویی نیز در همین سنگبری نهفته است زیرا دانشجویان در سنگر زحمتکشان و در راه منافع آنان و زیر پرچم آنان بر طبقه رژیم و امپریالیسم به نیکار بر میخیزند و یا بپوشی مثنی های ضد انقلابی و فریوسی عملا از این مجازوه دوری میجوید .

انقلابی بر میوزندند جهان و نقش جنبشهای دانشجویی در آنها بر روشنی بیانگر سنگبری صحیح جنبشهای دانشجویی در این کشور بوده و حاوی درسهای بسیار زنده است که باید از جانب جنبش دانشجویی ما بکار گرفته شود جنبش ما در چنین از جمله این نمونه هاست دانشجویان جنبی بدینا لبقا فراداد خائنه و وطن فروشانه ایکه میان حکومت مرتجع چین و امپریالیسمی غارتگریست مشود بر طبقه آن دست پانانگری زده و با رفتن پیمان زحمتکشان و کسبه فقیر و میهنپرستان دانشجویی خود را با تیره مبارزه با این فراداد خائنه میوزارند و پیمان زدگن کوبان بهشتی بپا میدهند که حکومت چین را وادار به عقب نشینی می نماید و در جریان این مبارزه ده ها اتحادیه کارگری و کارخانه وحی روستایان جنبی به حمایت از خواسته های دانشجویان که هیچ چیز مکر خواسته های تمام ملت نیستی نبود بر میخیزند و مبارزات گسترده ای را در امان میزند این جنبش تاریخی بپوشی سر آقا زمره تازه ای در انقلاب چین کست و در تکیون تحولی تاریخی ای انقلاب تقدس ایفا نموده .

جنبش دانشجویی ما گردان راننده های از انقلاب است و میتواند و باید از طرق مختلف رسالت تاریخی خویش را ایفا نماید و گردانی آگاه از مبارزات مردم با افشارگی سیاسی و سازمان دادن مبارزاتش در خدمت مبارزات زحمتکشان و وظایف خود را انجام دهد . امروز در صحنه میهن شاهد روند بسیار امیدبخشی هستیم و نظاره های دانشجویی خود را در دانشگاه ها ترک کرده و دست حرکت به مملات کارگری و فیزیوتین را در پیش گرفته اند و در راهی بهنگام اعتراضات کارگران دانشجویان شین و کشته و در کارخانن مارشی بودند و در جریان اعتراضات - ایران دانشجویان با بدست گرفتن پلاکتهای و چون و یخن اعلامیه و شعاردهی به حمایت از کارگران اعتراضی پرداخته و مردم را دعوت به پشتیبانی از کارگران نموده اند و به کارگری که کارخانه را اشغال کرده بودند غذا میسرانند و در ترمیز دانشجویان مبارز ندا در میدهند که "زنده باد کارگر" و کارگران تهران نیز با شعار "زنده باد دانشجویان" همسنگی خود را با آنان اعلام مینمایند "کارگری میکند" دانشجویان بخاطر مردم گرفته است که اعتراض میکنند" و کارگر دیگری میکند" دانشجویان پسا شعار "کارگر دهقان دهانده استوجو میخواند همه مردم را با خود همراه کنند" و دانشجویان مبارز ندا در میدهند که "تیرویان بایدند و زحمتکشان زنداند" در اردیبهشت ۵۵ به سیاست اول طله به اعلامیه ای در برخی دانشگاههای تهران در همینگی با جنبش کارگری و انشا اقدامات ضد کارگری رژیم شاه از جانب دب دانشجویان مبارز بخش میوزید و در خرداد ماه دانشجویان دانشگاه صنعتی با شعارهای "زحمتکشان بایدند شاه عجا جلا است" و "کارگر و دهقان دانشجو" دست به تظاهرات در میدان غار میزند و در همین ماه دانشجویان تهران دانشگاه چند و شبایور دست به چند تظاهرات افشارگانه در مصلحتات کارگرتینن اهواز و سخنرانی برای مردم زحمتکشان میزند و در پایانه ای که از جانب نین دانشجویان تیریز منتشر شده است از جمله میخوانیم "تنها راه مبارزه برای دانشجویان تشکیل جسته های مدغی است تا بتوانند اعتراضات خود را بیکس خلق برسانند و به مسئولیت تاریخی خود در آگاه گردن توده های زحمتکشان و کارگر عمل نمایند "آری جنبش دانشجویی همین ما در راه خود را به دست جنبش زحمتکشان ایران آن نیرویی که همانا بدست توانای وی انقلاب پسرانجام خواهد رسید در میاید و با مبارزات خود راه را برای جامعه عمل بخشدان بر ممالک تار - یخی دانشجویان هموارتر مینماید و هموارتر باد .

جنبش دانشجویی خارجه بهمنابه بسوی لایفنگ از مجموعه جنبش خلق و کل جنبش دانشجویی ایران و در سنگبری بسوی زحمتکشان و طبقاتی طبانه جنبش دانشجویی داخل هالته با توجه به محدودیت های ناشی از خراب بودن از ابزار آن در پیش دارد . ما باید در وسیعترین سطح تبلیغ لازم بیوزد و خدمت مبارزات

زحمتکشان جامعه را در دستور کار خود قرار دهیم و رسالت زحمتکشان را در پیش برد امر انقلاب نشان دهیم و زندگی و مسایل آنان را به مساله دانشجویان تبدیل نمایم و بالاخره با به پیش گذاردن خطا سته های مشخصه پشتیبانی از اجاب - زرات کارگران و دهقانان و همچنین انشای همه جانبه اقدامات ضد کارگری و دهقانی رژیم مرتجع پولی اقدام رژیم و از مبارزات طبقه کارگر کشورها و سربایه داری پشتیبانی نمایم و با نزدیکتر کردن هر چه بیشتر مبارزاتمان با مبارزات این طبقه که نزدیکترین متحد ماست همبستگی بین المللی خود و نهضت زحمتکشان ایران را با مبارزات این طبقه در کشورها ی سربایه داری بنایند و مائیم و تبلیغاً در ادامه مبارزاتمان نیز چنین مینماید و سوزی را در پیش گرفته و در حد توانایی خود پیشبرد انقلاب را یاری دهند . چند سال پیش زمانی که شاه جلا خود را بلایس "نمانده کارگران ایران" در آورده و در گفتارن کار زنده شکرگون دامنه مبارزات افشارگانه جنبش دانشجویی چنان بود که بسیاری از هیئت های نمایندگی سایر کشورها بخوان اعتراضیه اقدامات ضد کارگری شاه گفتارن را ترک کردند و رژیم شاه خفتن شد و هنر قانون تازه ضد کارگری از جمله اقدام اخیر ازیر عنوان "بالا بردن بازدهی کار" بوسیله رژیم شاه طرح شده است باید مزوری شود برای افشارگی و مبارزه ما ، هر دست اندازی و اجحاف رژیم شاه بر طبقه کارگران هر مکرکب امتیاضات کارگری و یخن کسانیده شدن کارگران تهرمان باید مورد ی باشد برای افشارگی و مبارزه ما .

سهنت زحمتکشان باید بر ستم رژیم قاطع و مبارزه در راه سرنگونی رژیم و قطع نفوذ امپریالیستها به پیش گذارده شود و به هیچ وجه از مسازره بر مبنای دستاورد های دمکراتیک جنبش نین انقلابی خلق صورت نپذیرد . در خا ربه دار دسته "کمیت مرکزی" که سخت دعوی خریست کارگران را دارد بهسا علم کردن دست "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات" میکشد تا نیز برای "مبارزین کارگری" از ایران و تحلیل دانشجویان میهنپرست به مبارزه طبقه کارگر و تاریخچه پزافتنار این طبقه سواستفاده کرده و تحت عنوان "دوین" "حزب طبقه کارگر" و یا "ادامه دهندگان ست مبارزاتی طبقه کارگر" اراجیف مرتجعان و سازشکارانه انسان را بخورد دانشجویان بد هفت "دار دسته" کائن و مرتجع "کمیت مرکزی" و سازمان جوانان ضد دمکراتیک هیچگونه نقطه مشترکی با طبقه کارگر ایران و مبارزانشان دارند و اینان خائنین به طبقه کارگر و منافع این طبقه هستند و هم اینها و اسلانتان بودند که طبقه کارگر را به چند کرمی پارلمانی فروختند هم اینها بودند که به پنهان جلوگیری از "برادرتکی و سوزنن ترو خشک با هم" بر نهضت خویشان کارگری ایران مبارز زند و بالاخره هم اینها بودند که پس از فرار خائنه اشان و تبدیل شدن به ابزار ایزد رتارنگر روس بارها به مدعی رژیم شاه و تحریف از پیشرفت های ایران" و "مناسب شدن وضع کارگران" بزدلانه اند و امروز نیز طبقه کارگر را به شرکت در سازشهای زرد رژیم و شبکه های حزب فاشیستی رستخیز زیر عنوان "حق تشکیل اتحادیه" تشویق میکنند . خدمت بیوزد به مبارزات زحمتکشان میباید تا مبارزه ای همه جانبه طیه این دارند شده ها و تبلیغات زهرآگین و خائنه شان صورت گیرد و موز روشنی با آنها کسیده شود .

جنبش دانشجویی خارجه در جریان تکامل مبارزه اش روشنی در یافته که بدون زمانی زحمتکشان همین ما از استقلال و دمکراسی برخوردار نخواهد کست و سرنگونی رژیم و تاراندن امپریالیستها مگر بدست توانای زحمتکشان ممکن نتواند بود . یخن کمیت ما تا فرارسیدن اول ماه مه "بار دیگر عید کسست ناپذیر خود را با طبقه کارگر قهرمان و دوزبانان ایران تجدید کیم و زیر شعار "کارگر دهقان دانشجویان بیوزی است" و "ت مرگ دیکتاتورها تا سرنگونی رژیم مطلقین تا بیوزی کامل زحمتکشان نهضت ادامه دارد" مبارزات خود را سازمان دهیم رتده باد همسنگی جنبش دانشجویی و مبارزات کارگران ایران گسترده و بیوزی باد مبارزات کارگران - کسار کسره دهقانان دانشجویان است

افراط برای چه کسی

از جوش خوردن آگاهی سیاسی با توده زحمتکشان انجام می پذیرد . این را ثابت نموده است که ارتجاع هر چند از مبارزات اضماعی که هدفش بیوزی ترم باشد می ترسد . ولی نهضت اصلی این از جوش خوردن این مبارزات با عنصر آگاهی سیاسی است . این را ثابت نموده است که منافع طبقاتی اضماعی طبقه کارگر در مبارزات سیاسی وجهت تدارک بودن آن است و از اینها ثابت کرده است که این امر بوسیله فاضل روشنگر و انقلابی انجام می گیرد و هر آنگاه که انجام گیرد با آثار به انجام گیری کند . مرحله تاریخی بسیار مهمی را نین دیده که نه تنها برای خلق آینده تابناک را در خود نهخته دارد . بل برای ارتجاع بنقسط و نابودی و مغنوم بنام می آرد . این امر باعث نهایت سرت است که ارتجاع ما همین و پاک راسته و جانسی بعد رضا شاه علی سیمو کشته که از جنبش حرکت کینه تروانه ترم بود و بر آن سبز کمونیسم بین المللی" و غیره رتده این باعث نهایت امیدواری است که عنصر آگاهی سیاسی در بین طبقه کارگر در حال پزانه شدن است و میروند تا زمینه جنبش بسیار مساعد و مناسب امروزی را با آگاهی سیاسی انقلابی جوش داده و آن تلفیق درست و از نظر تاریخی لازم را برای سر هم پییدن همه آن عوامل - عناصر طبقاتی مزجیع و از نظر تاریخی عقب مانده را بپور آورده . چنین بساد

رتبه و رتبه "انسان دوستی" را بریزد و جنبش دانشجویی ما باید ماهیت این عناصر را نیک بشناسد. علم کردن کلاه لیسانی چون ناصر افشار در برنامه "دقیقه" و داد و فریاد های دروغین شان بر علیه ساواک ترویج و خفقان در لاریان بار دیگر پرده از مانیوهای مکارانه پانده کارتر و شرکا تشکر در گوشه همه جانبیان بر خام کرده مردم ایران و جهان و عرقه کردن آلتزاتیوهای "خودی" مگر قابل تیر و خفقان "بر میگرد و به تمام دانشجویان و ایرانیان مبین بیست ماهیت واقعی این تیر و خفقان را نشان میدهد. امپریالیسم امریکا از انفراد و تزلزل هر چه بیشتر نوزکان و سگان زنجیرشدهن رژیم شاه سخت در هراس است و بزیرانی می گوشت تا در مقابل سبیل خورشان جنش خلق و در راس آن جنبش نوین انقلابی خدعه و تزییر تازه ای را علم کند و با استفاده از محافل "انیرال" و "رینگ و روئین زن در چه بر چه مراد استمداد و فاقسیم محمد رضا شاه و سایر نوزکان بوی اثر برای خود در میان مردم حجاب و چهره ای بدست آورد. مردم ما نیک میدانند که همین امپریالیسم امریکا و محافل رنگارنگ "مکرات" یا "مجموعه ی خواه" کسادسی بودند که حکومت ملی ایران را ساقط و با دست خودشان بر سر محمد رضا شاه حلال و خائن تاج گذارند. مردم ما نیک میدانند که همین امپریالیسم امریکا بود که به دست نوزکان بوی انیرال آزادی های دیکر تکی را از مردم ما سلب کرد و پوسله کاد های "سیا" سازمان جاسوسی و پیتاشلی "ساواک" را برای تحمل ترور و خفقان بوجود آورد. حال این غارتگران برای مردم ما و "آزادی حقیقی بشر" اشک تسخار میزنند و برای باضطلاح "اشفا" همان دستگاه سرکشی که خودشان بوجو آوردند برنامه تلویزیونی میگذارند و مخالف "فعالیت مایوران ساواک از آب در میآیند" اینها همه تزییر و خدعه است کادسی است که میگویند بیست ماهیت چهره کیه امپریالیسم امریکا. ساواک دست ببرده و محافظ منابع همین امپریالیسم و همین محافظ باصطلاح "آزاد بخواد" است و جنبش خلق ما بپیش با انقلاب قیصر آمیز نرسد تا این رژیم و سلطه امپریالیستها را در هم شکسته بگذد این یا بد. های خون خرد خدرا نیز همراه با رژیم و اربابان پادشاهان خواهد سیرد.

مردم ما نیک میدانند که همین امپریالیسم امریکا بود که به دست نوزکان بوی انیرال آزادی های دیکر تکی را از مردم ما سلب کرد و پوسله کاد های "سیا" سازمان جاسوسی و پیتاشلی "ساواک" را برای تحمل ترور و خفقان بوجود آورد. حال این غارتگران برای مردم ما و "آزادی حقیقی بشر" اشک تسخار میزنند و برای باضطلاح "اشفا" همان دستگاه سرکشی که خودشان بوجو آوردند برنامه تلویزیونی میگذارند و مخالف "فعالیت مایوران ساواک از آب در میآیند" اینها همه تزییر و خدعه است کادسی است که میگویند بیست ماهیت چهره کیه امپریالیسم امریکا. ساواک دست ببرده و محافظ منابع همین امپریالیسم و همین محافظ باصطلاح "آزاد بخواد" است و جنبش خلق ما بپیش با انقلاب قیصر آمیز نرسد تا این رژیم و سلطه امپریالیستها را در هم شکسته بگذد این یا بد. های خون خرد خدرا نیز همراه با رژیم و اربابان پادشاهان خواهد سیرد.

مردم ما نیک میدانند که همین امپریالیسم امریکا بود که به دست نوزکان بوی انیرال آزادی های دیکر تکی را از مردم ما سلب کرد و پوسله کاد های "سیا" سازمان جاسوسی و پیتاشلی "ساواک" را برای تحمل ترور و خفقان بوجود آورد. حال این غارتگران برای مردم ما و "آزادی حقیقی بشر" اشک تسخار میزنند و برای باضطلاح "اشفا" همان دستگاه سرکشی که خودشان بوجو آوردند برنامه تلویزیونی میگذارند و مخالف "فعالیت مایوران ساواک از آب در میآیند" اینها همه تزییر و خدعه است کادسی است که میگویند بیست ماهیت چهره کیه امپریالیسم امریکا. ساواک دست ببرده و محافظ منابع همین امپریالیسم و همین محافظ باصطلاح "آزاد بخواد" است و جنبش خلق ما بپیش با انقلاب قیصر آمیز نرسد تا این رژیم و سلطه امپریالیستها را در هم شکسته بگذد این یا بد. های خون خرد خدرا نیز همراه با رژیم و اربابان پادشاهان خواهد سیرد.

مردم ما نیک میدانند که همین امپریالیسم امریکا بود که به دست نوزکان بوی انیرال آزادی های دیکر تکی را از مردم ما سلب کرد و پوسله کاد های "سیا" سازمان جاسوسی و پیتاشلی "ساواک" را برای تحمل ترور و خفقان بوجود آورد. حال این غارتگران برای مردم ما و "آزادی حقیقی بشر" اشک تسخار میزنند و برای باضطلاح "اشفا" همان دستگاه سرکشی که خودشان بوجو آوردند برنامه تلویزیونی میگذارند و مخالف "فعالیت مایوران ساواک از آب در میآیند" اینها همه تزییر و خدعه است کادسی است که میگویند بیست ماهیت چهره کیه امپریالیسم امریکا. ساواک دست ببرده و محافظ منابع همین امپریالیسم و همین محافظ باصطلاح "آزاد بخواد" است و جنبش خلق ما بپیش با انقلاب قیصر آمیز نرسد تا این رژیم و سلطه امپریالیستها را در هم شکسته بگذد این یا بد. های خون خرد خدرا نیز همراه با رژیم و اربابان پادشاهان خواهد سیرد.

مردم ما نیک میدانند که همین امپریالیسم امریکا بود که به دست نوزکان بوی انیرال آزادی های دیکر تکی را از مردم ما سلب کرد و پوسله کاد های "سیا" سازمان جاسوسی و پیتاشلی "ساواک" را برای تحمل ترور و خفقان بوجود آورد. حال این غارتگران برای مردم ما و "آزادی حقیقی بشر" اشک تسخار میزنند و برای باضطلاح "اشفا" همان دستگاه سرکشی که خودشان بوجو آوردند برنامه تلویزیونی میگذارند و مخالف "فعالیت مایوران ساواک از آب در میآیند" اینها همه تزییر و خدعه است کادسی است که میگویند بیست ماهیت چهره کیه امپریالیسم امریکا. ساواک دست ببرده و محافظ منابع همین امپریالیسم و همین محافظ باصطلاح "آزاد بخواد" است و جنبش خلق ما بپیش با انقلاب قیصر آمیز نرسد تا این رژیم و سلطه امپریالیستها را در هم شکسته بگذد این یا بد. های خون خرد خدرا نیز همراه با رژیم و اربابان پادشاهان خواهد سیرد.

امریکا که از قرار خود در سخت حامی دانشجویان ایرانی و مبارزه با ساواک مفر می میکند، کمیته ای از چند ماهر ایلیس آمریکا و "اف سی سی" سالی "متنکل" داده است تا از مایوران ساواک "شناسایی" کند و از افساد و هواداران کف در راسین محصلین و دانشجویان ایرانی (برای احیای سازمان واحد جنبش دانشجویی) نیز در پیوسته کار بر تری این راه روی را برای هدایت و لیکن از اسباب پرورشش باسج جغی و فریاد "چرا؟ نرما ما بازیچه دست و رقابت محافل امپریالیستی و بازار گری آنها نبوده ایم، بنسیم و نخواهیم بود. و به بهای گرفتن چند غصبر در روزنامه های آمریکا حاضر به فروتن پرسشهای محاسبات بنسیم و نخواهیم بود. سازمان دانشجویان در امپریالیسم باید عقابا به عواقب خشکهای که بر یا کرده بودند فکر کنند، آیا اینکار را صرفاً از حرص گرفتن خبر تلویزیونی کردند و یا بیان یاور دارند، و در حالتی با بری ابته ای تری اصول جنبش دانشجویی ماند داشته اند و بنام این جنبش آنها بیخلاف خفت و خواری کشانده اند. بار دیگر نشان دادند که یک سیاست لیبرالی وقتیکه به عمل گذارنده میشود چه نتیجه ایرا بسپارد میآورد.

اول ماه شد ...

ماه ۱۸۸۶ کوشش کردند. در این روز پیتاش از ۳۰۰ هزار کارگر صنعتی در سراسر آمریکا به نظاهرات پرداختند. و چند برابر این زحمتکشان و مردم شهری و روستاییان های کارگران به آنان پیوستند. در شکاکو خاطر اینکه مهم ترین مرکز کارگری آن نوزان بود. وسیع ترین نظاهرات ها با شرکت بسیاری از کارگران از جنبه های گوناگون بر یا کردند. به نطفه مبارزات ما شکوه کارگران در این دوران ۱۸۵ هزار کارگر از دست ساعت روز کار بدین گاهن سسترد بر آوردند. و این بااست دلگرمی و شور بیشتر مبارزه با ساواک کارگران همه اصناف و صنایع میدند. و در پی مسله یعنی در ۳ ماهه نظاهرات در پیشانیان از کارگران کارخانه ملک کومک هارستور بر کردار کردند که با بیرون رختن پیلین شکاکو مبارزه و دیگر کشته و چند نفر سرچو کشتند. بدین صفتبتهر همان جنبه ای ماه به نظاهرات در چند روز بعد برای اعتراض به حمله پلیس در محله "هن مارکت" بر یا نمودند. در پایان نظاهرات صف پلیس نمایان شد. و طرف صوفیا کارگران حرکت نمودند و چند ی نگذشت که بنا به نطفه ای از قبل نسبی در میان آن مفر کردید و این دلایلی گردید تا به خاطر کشته و زخمی شدن چند تن از نوزان بیوزاری تر خود به پلیس آتیرا بروی کارگران بی سلاح کشاید. و یک کارگر از نیز به شهیدت برساند و تعداد بسیاری از آنان را مجرم کردند. "بزرگواران رضوان خندان اول ماه" هر ما بود پیکر برار داده و دستگیر نمود. تا به خیال خود جنبش را ناپدید دانند. آلبرت پارکسز یکی از همزنان خندان اول ماه که به موجب موفق گردید بود از شکاکو خارج نشود پس از نشستن غیر دستگیری رفقای خود را نیز به پلیس محرمی نمود و گفت: "آنها مرا میکشند ولی من میخوانم در آزادی باشم و کسی که رفقایم درند و همنقدر از کاره که نکرده اند رنج میکشند که من میکشم". در ادانهای فرمایشی بیوزاری تر خود آنها را به محرم ساختن "چندان آتیر بر یا انداختن بسب" حاکمه کرد و عظیمت مبارزات وسیع کارگری در اروپا و آمریکا در دفاع از پیشروان جنبش اول ماه به آنها را محکوم نمود. وضع روز یازدهم نوامبر ۱۸۸۶ فتر اسباز سرتیروز و اصل این چهار کارگر سارو و رهبران جنبش اول ماه به بدار آریخته شدند.

بدین ترتیب طیفه کارگر با مبارزات دلایرانه خود و نه با تشا و انشاسی است. ۸ ساعت روز کار را بدست آورد و با مبارزات خویش خود بیوزاری طعاب را عقب نشانند و بر خلاف کتبه عدای از همزنان اتحادیه های کارگری نشان داد که حق گرفتن است نه دادنی.

در ۱۴ ژانویه ۱۸۸۶ سوسیالیستها و رهبران جنبش کارگری که در پارسیس جمع شده بودند اعتراضات دروم را بنا نهادند. تبلیغاتی نصب کردند که در آن روز اول ماه در روز سن اطلق نظاهرات کارگران برای ۸ ساعت کار و سایر خواسته هایشان تعیین کردند. و طیفه کارگر جهان از آنروز دستبانش گرفتند این روز را غیر شمرده و در هر گونه شرایطی آنرا جشن گرفتند. طیفه کارگر ایران هم در این ناهن سسترد نمود و وجه که این طیفه خویش را تحت هر شرایطی بدیستی بیس برده است.

طیفه کارگر ایران که بنا به علت بیداری خود رفته نس و شکی (نزدیکی با جنبش کارگری روسیه) سرمد از آگاهی طباطبائی برخوردار گشت و با اینکه هنوز از لحاظ کم تاچیر بود در محاررات آزاد بخواد و شکی شرکت صمان داشت هنوز چند سالی از تشبیه اولن اتحادیه کارگری و اتحادیه کارگران چاپخانه در سال (۱۹۱۹) نگذشته بود که در سال ۱۹۱۸ دستبردنی همین اتحادیه شعار ۸ ساعت روز کار و اضافه بد سسترد را بجلو گذارند. برای احیای این حد مسلم سرتد مبارزه نمودند. یکماه بعد لا علاوه پس از تشکیل شورای مرکزی اتحادیه کارگران که نمایند ۱۰ اتحادیه کارگری ایران در آن شرکت میگردند. و با انتخاب شورای مرکزی برای ایلین بار در جنبش کارگر ایران اول ماه به جشن گرفته شده و نظاهرات وسیعی توسط کارگران تبریان و سایر نقاط برگزار کردند.

طیفه کارگر تبریان در تمام دوران بعد از بیداری آنها به حال روز اول ماه به در جاش گرفته است. در دوران شاه پیتاشو عرضا شاهنشاهی کارگران و پیشروان این طیفه بطور مخفیانه در باغ پیتی از انیرال تبعید شدند و زندانبهای متعدد ایراد کردند. سرودهای انقلاب خواندند و در شرایط بدگفتاری حاکم بر جامعه توانستند با سایر مبارزان کارگر خود در براسر جهان همدا شوند. این کارگران علما از کارگران سنج، جاسین، خیاب، گلکش، نجار، رانندگان و غیره بودند. در اوایل ماه ۱۹۳۱ م. ۶۰۰ نفر کارگران سنج کارخانه "وطنسن"

اصفهان در این شهر در خواستهای ۱۳ گانه خود را که با یک حزب منفی کارگران (حزب کمونیست) تهیه شده بود. در رئیس کارخانه کازرون پیشنهاد کردند برای ۸ ساعت روز کار اضافه حقوق حداقل و پایان در روز یکروز مرخص در هفته و موفق شدن کتک و فحاشی نسبت به کارگران چنان مبارز و انتماب وسیع را در روز ۱۶ ماه به سلطان دادند. که رئیس کارخانه طعاب که از خواسته حد کارگران سرتیروزانه بود را میبوی به عقب نشینت کردند و ۹ ساعت روز کار حداقل ۲۰ در حد اضافه دستتزد را توانستند بدست بیاورند. این مبارزه طغر شد که در هفته اول ماه به آغاز و تیبانی رسید را رشت و توسعه جنبش انقلاب در اصفهان اهمیت زیادی داشت. و بهر حال در تمام دورانی دیگر از جمله مبارزات وسیع کارگران نفت (سراسر) هزار نفر) در سال ۱۳۰۸ و مبارزات وسیع این کارگران در سالهای ۱۳۱۵ برای بزرگداشت روز اول ماه در آذربایجان اقلیارت مسجد سلیمان و نقاط دیگر نفت خیز جنوب و همیظیر مبارزات کارگران در دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد و سلطه رژیم اهریسی شاه ما متواره شاهد مبارزات بیکر طیفه کارگر ایران برای دستزد بیشتر ۸ ساعت کار روزانه شرایط بهتر کار و دستزد علیه سلطه شتهای ضد کارگری رژیم از قبیل طیفه بندی مخالف و غیره بوده است. هر چند در این سالها که بنامه ایران در جنگال خویش محمد رضا شاه خلق استفاداز تزییرترین آواتر از داشت. طیفه کارگر توانست جنبش اول ماه را با شکوه سر گزار کند. و به هتق هر ساله کارگران بیدار و تفریحان ما در این ماه به در

کران جهانی اعلام میدارند با آنان متحد به عهد میکنند که طم و ستدر از جامعه براندازند. همه زمینبان و در راستان خود یعنی طیفه کارگر را آزاد نمایند. امروزه پیتاش کتبت ۹۱ سال از این روز تاریخی اوضاع چیکه است؟ در ایران کتبت ما شاهد یکی از شدیدترین بحرانهای ادوار سرمایه داری امپریالیستی هستیم که در آن عواقب برابری بدتر و شدیدتر از سالهای ۱۹۲۹-۳۳ در انتظار سرمایه داری جهانی است. بحران که اساسش در خود سرمایه داری و داری و برمیای اضافه تولید ناشی از هم و مرع در تولید است. در نتیجه این بحران از یکسو تضاد میان امپریالیستها مختلف و باندانهای نوزادان امپریالیستی این گرفته و از دیکروسرمایه داران انحصارگر برای "نجات" خود از این بحران به حیای بیشتر کارگران و خلقهای ستمدیده بر داخته اند که باعث شده بد تضاد میان خلقها و کارگران جهان با امپریالیسم کتبت است.

اثر سالهای ۱۹۳۳-۱۹۳۴ تضاد های داخلی سرمایه داران حدی بالا گرفت که امپریالیستهای جهانی در حال مبارزه ای با این تضاد گردیدند تضاد میسان مایه داران جمع میگردند در کشورهای خود تا حد مکه فشار این پارسیس را بد و ش کارگران و زحمتکشان از طریق

- ۱- اخراج بیشتر کارگران از کارخانجات (در امریکاه تولید)
- ۲- پایین آوردن مزد واقعی
- ۳- تشدید استثمار کارگران
- ۴- محدود کردن روزه اجتنابی برای کارگران

بحران به کشورهای وابسته خود از طریق صدور سرمایه های غیر تولیدی صدور کارهای روی دست ماندن و جیبیل سسترد کالا و امثالهم را دارند. که در مجموع به خود تمام این اعمال به رشد ناراضی در میان زحمتکشان و بیوزه کارگران دامن میزند.

مسلم در این میان شرح های نظام وسیع امپریالیستها و بیوزه دوار بدرت به مسئله حران بیشتر دامن میدند. حرن بسب ۱۰ میلیارد دلار برای نظام میگرد در امریکا اختصار سراسر ۲۲.۰ درصد از تولید ناخالص ملی برای مسلح کردن و آبادی برای حکت سوسله در ادیرت امریکا و شوروی نمونه هائی از این جریان است که بسبب به حران و رویش سرمایه در جنبشهای غیر تولیدی و مانع از دامن زدن به ناراضی سن کارگران این کشورها. و با نطفه مبارزات بیشتر آنان جدا نمایند.

رشد نوم در چند سال اخیر در کشورهای سرمایه داری بطور متوسط ۷ درصد بوده و در محص کشورها مانند انگلستان ۲۳ تا در صد سال گذشته رسیده است. بحران جهان سرمایه داری که اساسا اضافه تولید سرمایه داران در محرم کرده تا به دماغی کربن سرمایه بونده که بسبب (از راه کاهش تولید اخراج کارگران ۵۰۰۰) برای رفائی از حران و تولید را کاهش داده و برای کاهش تولید کارگران را اخراج میکنند و از کارگران باغ مانده بیشتر کار میکنند محص شته شدیدی استثمار و سکاری (تنها در سال گذشته ۱۰۰ میلیون کارگر در جهان از کار سگار شده) در زمانیکه خود در "بوزارت مایورگانی" امریکا اعلام میکنند که خاطر بالا بودن قیمت ها کارگران حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد حقوق خود را فقط حرن پرداختنستهای وامهان انتشار و خریدهای خیسو دست بردها اساسا کاهش مانده و با سست به رشد ۳۰ اتی ۲۰ درصد مانجانا حرمس) در کشورهای امپریالیستی) حطی کم بالا رفته و در ششمه مردم واقعی کارگران یاقین ترمانده است. کمیومه شرایط بالا و چندین و چند فاکتور دیگر باعث آن گردیده که طیفه کارگر در کشورهای سرمایه داری به مبارزات وسیع بگردد. زمانی که سسترد بطور مثال در عرض سال ۲۷-۱۹۷۵ فقط در خود امریکا سن از ۲۶۰۰ اختصابت کارگری روی داده است. در "انسان در اول سال گذشته نظاهراتی برای کارگری در محص ۱۴ میلیون کارگر آغاز و در حان رشد میباید. در اوایل حدود ۱۰۰ اختصابت کارگری سز هم راه میبود. بار و اخیرا شاهد حرن و ه های که اختصابت محسوس در ماه اول ۱۹۷۷ بدیم که می توانست تمام اعتماد پیوسنده و این را در هم بریزد. بخواب نموده ها میوان از هزاران مبارزه کارگری دیگر در اسپانیا، المان، انگلیس، فرانسه، شوروی، لهستان و در جمعی

کلمات

تمام مردم دنیا فقط انتقاد کنند هرگز یک شاهراه ساخته نخواهد شد و بیگانه احداث میشود . برای تحقق این هدفها پول و زمان لازم است و در حالیکه مردم تهران فقط روزی ۲۲ شاهی (۱۱۰ دینار) عوارض میدهند چگونه میتوان انتظار معجزه داشت ؟ یا " هنوز نتوانیم اتوبوسهای کابری بحریم و بیسهای متحرک را در خیابانها برآوردیم . وضع شرکتها خوب نشود و بیرونیان - بیرونیان بیسود نخواهند یافت مگر اینکه پول داشته باشیم و تا زمانیکه مردم جان ضرر نمیشوند بیچاره و در حال بد هستند چاره‌ای هم نداریم ."

اولا از مردم میخواهند انتقاد کنند و از این بالا تر گستاخانه تهدید میکند که " اگر ارتقا ندهد یک شاهراه ساخته نخواهد شد . . . گویا که تمام مشکلات مردم امروزه حل شده و تنها کمبود شاهراه و آب است و گویا مردم چشم بدستار کتبی این خیره بران برای رفع احتیاجات اساسی خود دوخته اند .! این ترائی و شتاب تشبیه از مغز طیلس جناب شهباز را و امثالهم بیرون باید و پس ."

ثانیا این صبح است که یولی صرف خدمتات شهری و برنامه‌های رفاهی میشود اما عوارض برآوردان مردم با بی نظیر ۴ یالی اینبوی نیست معلولت را باید در چهره اصلی بود چه سال جاری ایران چشمتو کرد - بودهای کسه ۶۷ درصد آن صرف معارف نظامی میگردد و تنها ۱/۶ درصد آن صرف آموزش بودهای که صرف صنایع دفاعی آن تنها ۳۱۰ میلیون تومان یعنی قیمت و فروتنی هواپیمای اف ۱۱ ارتش برآورد ایران میباشد بودهای که هزار است ۱/۲ درصد آن صرف " بهداشت و تغذیه " شود - با این حساب سهم هر ایرانی از خدمات بهداشتی " کمتر از ۲۰ تومان در سال خواهد بود " بودهای که به امدادی خود

دولت " میلمار " نوسان آورد (که حتما بیچارگان است) برای کمک به کشورهای امپریالیستی بطور منتقم (وام) به تاراج میبرد - بودهای که ۱۶ - درصد در " آید آن از مالیات و وامهای خارجی و داخلی میباشد و فقط ۱ درصد از " کسب و کسب " کشاورزی و صنعتی است ."

حال عمیق بیچارگان مغز جناب شهباز نمایان میگردد - دست زستی که در این دولت مستحکم خلق ما برای دادن این ناپا و خوراج " باید " امامد " کرد و

با پائین آمدن درآمد نقد در زمینه بحرانی جامعه امروزه هیچ منبع دیگری از تأمین معارف دفاعی دولت کمک به کشورهای خارجی خرید اجناس نسل آنها و بطور کلی وابنداری امپریالیسم آمریکا وجود ندارد تنها و تنها با تخریب کوری از مردم است که رژیم ایران میتواند معارف بیگانهی خود را بدست آورد . قانون اصلاح جمع آوری مالیات - هم میباید که تعدیل فشار و غارت زحمتکاران میسر را " قانونی " کند . ۱۱/۵ میلیارد ریال از درآمد بودجه اسناد از قتل مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بدست میاید . از آنجا که ۱۰ درصد این درآمد مالیاتهای غیر مستقیم است کسانیکه بار کارکن و رشکینتی اقتصادی دولت را بدوش میکشند بخت کمال جامعه هستند که بیشترین خرید ایران اجناس و لوازم اولیه مورد نیاز بسایر بر این تأمین کنند . هم چنین معاشی مستقیم برای رژیم تیکه‌کار شاه میباشند . توده مستحکم ایرانی قتل و جای و توده برابری بخرد و " شک پی " بیست فطرت از کمبود " اتونیزگار سوز " و " وینب متحرک " بناظر فوتم " برآید است عوارض " متناقل " دزدی بی شرفی ."

در حالی که دیگران تمکون " برای اینکه احتیاطی سالم و کامل داشته باشند باقیم مردم تمکون به سرپرست خود و بدای خود آگاه و علاقمند باشند " . ۷۰۰ یارک میبوی شهری حتما به ساختن شش میلیون و ششصد هزار متر مربع شهر احداث شده است - مردم نیز وظیفه دارند که از آب پارکها بسایر سداری کنند سخن آخر اینکه " از همه بیشتر آنکه مردم با هم تدانین فکری ندارند " تاکید از نامت

حالا دیگر گفتگوهایی که در دین رسیده است و ترسان و لرزان برای مردم " خط و نشان " میکند و وظیفه تأمین میکند . از مردم میخواهد که " از پارکها یا سداری کنند " که صدای تاراجکاران خود را بگویند و نوشتن خوش آید شهر را حفظ کنند تا نگران و دلگشا امپریالیسم خیانتناهی " زیا " برای ایرانیان خود هنگام بازگردید داشته باشند و در صدد چیدن آنستونیس خود را اثبات نمایند اما بدست کسی که خای خا و جنشین انقلابین " خاندان " اساسی جامعه یعنی سرطران ۲۰۰۰ ساله را شناخته و نیز وظیفه آنها را وظیفه که سالها است هفت به اجناس بسته است و آن سرگونی این رژیم و بریدن دست نافرمانان امپریالیست است و پس از این رژیم مردم با جناب " نیک پی " همجناس فکری " دارند که تردید بی دردی را برین ریختن اوانشان خوشنویزی نظیر شهباز در تهران

دارو

در رسامی . ۱ سفید معالای ای تحت عنوان " صنعت اروسازی ما هنوز به متناوب است " نوشته شده که در جواب بصری وزیر بهداشت که در همین روزنامه درین تده میباید وزیر بهداشت در در کشور " علوم در اروپا در اصفهان گفته بودند " ۹۰۰ صنعت اروسازی ما متناوب است و بسته بندی دارو در ایران صنعت اروسازی بسیار " که چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است . این مسئله آنقدر واضح است که وزیر بهداشت در افغان دارد . ولی چیزی که اهمیت دارد نکته‌های است که در مورد دارو در این کشورها و این مقاله گفته شده است . اصولا آنها با واقع به تمام دارو در اروپا میبندند در ترائی که در اروپا باره‌های خود نشان نوشته شده " در سوز " تقریر بصری تنها در دارو خانه کوچک وجود دارد که همیشه

صف طولانی جلوی آن است و حتی افراد خیر خواسته اند که از روزه‌های جدیدی باز کنند . ولی مقامات مسئول از خود بر جواز خود دارند کرد مانند " تریا " در جای دیگر " در شهر پر جمعیت نوشتر فقط در او ریخته و در جود دارد که جوابگوی احتیاجات منطقه نیست . " با هزاران مثال دیگر جطور خیرت منظر کردن چنین حرفهایی را دارند . این رژیم مفلوت در زمانه و این دولت زحمتکش حتی عرصه این را ندارد که از وضع بد است که جزو بهترین مثال هر کشور است حتی بعد از کم صایب مردم را جلب کند . چنین وضعی در تمام نقاط کشور وجود دارد . آفتود در آنجا صاحب " بهداشت ارگانیک " میزند و نگردد نیست . کثرت میگردد . در عورتیه در اکثر نقاط کشور حتی بیست و هجرت ندارد چه برسد به " رایگان " و یا هر چند روستا را یک ساه بعد است سرکشی حمله مردم بر او رسیده به پنه در زمانه برای گرفتن چند غرضی کلبترها سفیدند . در جاییکه در شهر پر جمعیت و بزرگترین مردم فقیر و زحمتکار از کمبود بیماریها و در زمانه در اوم میبزند و یا در صفوف در زمانه ها به انتظار یک مغایه سر پایی هستند و یا در شیراز در طرف دم بیماریها بی چاره‌ای از آهاند پس جان میدهد چگونه میتوان از بعد است صرف ۲۰ خود بود جفا حاصل محمد رضا شاه مرتجع ممالا نشان شده بود " توجه برای هر ایرانی ۳۰ تومان در سال بود . از همه اینها در نظر گرفته شده است در صورتیکه بودجه ارتش برای هر ایرانی ۲۰۰۰۰۰۰۰ خرج دارند . در " کثرت " گفته شده که مردم ایران باید با دارو در حدی بیشتر از مردم آمریکا سپردند و تنها در وقت دارو زمان است تازه با این کمبود دارو مردم ایران در حدی بیشتر از مردم آمریکا سپردند . ولی نویسنده مقاله با کمال بر روی میبندد " دارو ایران استوارتر هزینه دارو در جمع معارف درمیان بالا باشد بعلت فقر بی رویه دارو است بخصوص این بویژگی و وسایلها چرخ بجم هر صنف است این در بیشتر نهایی بی شرفی است . بجز در صنایع پر بهیمه " احتیاجی کارگران و " مرعیی را معاش میکند ؟ چرا اینکه از میل نسجه ها نوشته شده : " مرعیی و فرم و " را به همان آنتی بیوتیک " و سایرین باشد تعمیر میبندد . تازه از در نوشته ای وجود داشته باشد ولی چرا وضع دارو خراب است ؟ - ۱ - خیانت رژیم که نشان داده شده است " عدم تولید دارو " برای هر کالای پر سود از طرف زانو صفتان در روزگار نویسنده میباید " صنعت دارو سازی در همان مرحله متناوب بود " این چنین بخش مجموعه " صنعتی " بزرگ را تشکیل میدهد " که گویا واقع استاز انجامی که ارتجاع وامیریلیم همواره برای اینگونه بودند بیشتر مردم را غارت کنند . درست از همان چیز استفاده میکند که مردم به آن نیاز میبندند و در این احتیاج میبندد . در مورد همین مساله آرتون در اروپا تولید و در کشور خارجی و عوض کردن بسته بندی و فارسی نوشتن مواد مصرف شده و هر چه میباید با بقل خود نشان " همان " صنعت متناوب " که مخلوط کردن مواد و قرص و شربت بی خاصیت درست کردن است و باها تهیه فرایده های دیگر مثل مواد پاک کنند و واریش و غیره

این رفته را پرسود ترین بخش صنعت کرده اند . هر یک در سال ۱۳۴۱ که سرمایه گزاری در این بخش ۴ میلیون تومان بود . در سال ۱۳۵۰ به ۱۰ میلیون تومان رسید و در طرف دیگر سال انقلاب سفید ۱۴ برابر شد . در همین میان بطاقت نیاز کارخانه های خارجی به تکمیل شدن معاش های دارو سازی تهران . مشهد نیز و اصفهان تبدیل به دانشکده های علوم دارویی میگردد . تا در حقیقت یک قرن تخصصی برای خود تربیت کنند . پس کاملا اشتکار است که با وجود وضع خراب دارو در کشور این رفته شود . های کلان برای سرمایه داران داخلی و خارجی دارد و این هم دلیل بر بی رویی دارویی و ترائی دارو در ایران .

تساوی حقوق زنان

اسلام هم مانند هر سان روز هشتم اسفند از طرف خاندان تنگین پهلوی و هم مسلکشان جنس گرفته ستودن ، و امثال هم خوب " رستخیز " سرانجام برافزای روز ندارد دیده تا ساد از انقلاب آزادی و تعدیل " زنان در زمانه " استوف معلوم الحال هم در روز هشتم اسفند مراسم افتتاح مرکز " تحقیقات زن و توسعه در آسیا و اقیانوس آرام " را با سخنانی " مشروح " تحت این عنوان که " در کراسی و توسعه یک زن مشارکت زنانه بدیهی ندارد " آغاز کرد . (رستاخیز - اسفند ۱۳۵۰) نه واقعیت جامعه این است ، حقیقی است آشکار و غیر قابل انکار " آزادی " " یابری " " تساوی " که همیشه توسط شاهان مغفرو از جمله محمد رضا شاه خائن عنوان میشود و بعلت عقیده دربار توحیدی بیشتر از حد بدان محدود شده هیچ چیز جز بسط " تعاد " مواد مصرفی فرهنگ استعماری و تقلید و پیروی کوهکوهانه از انواع و اقسام کافات غرب است این آزادی فقط و فقط منتقد خاندان پهلوی و فرزندانشان است و بی .

آزادی و مساوات و برابری با مردان نه این تبلیغاتی است که رژیم طلم کرده و می کند و هر روز جامعه را در سحلابی صورتی خون میدهد ، زنان زحمتکش ایران این برابری را از زمان جنشین تاکنون جنشین متحرکه و جنگهای تازه داشته نیز که زنان در لاس مردان می جنگند ، احساس نموده و در عمل ثابت کردند با تد و باستان برابری در طول تاریخ خون بهائی سنگین برداخته هدف از برابری از تدید مردم زحمتکش بیستان مبارزه در شان و تنگین دیگر بر علیه تمام این دشمنی رنگارنگ و درام سرزنش رژیم می باشد و نویسنده کشته در روز زنان تاریخ از زمان جنشین تاکنون تا بحال " جنر زنانی چون اشرف هفتای " مهترین از راهبانی ، زهرا شهبکی و سوزیه اشرف زاده کرمانی اولین

زن انقلابی که در کار برادران و رفقای خود بر زمانه استوار و جویبارهای خون پاکتان بیکدیگر گره خود را بر خاطر نابود . حین این شهیدان عزیز و هزاران گنم و جوانان زشان و شیخه ماروزه بر علیه جور و ستمو اشتکار خاندان پهلوی بود و برابری و مساوات را این گونه بر خاطر هزاران زن و مرد زحمتکش و شریف میبندند تقویت بسته و تکامل دادند .

حالا شاه خاش هر چند بر سر " تساوی زن و مرد " هیاهو برآورد ، بر نامه‌های رنگارنگ طلم کند در شیور تبلیغاتی انواع و اقسام نواهای " آزادی " شرد نهد جز بزرگ مدعیان و روزبه چند مغزیه در ترائی از جمله مادر و خواهرش و سرگلی اش خدای دیگر نخواهد شد ، در بی باستان که خلق قهرمان ایران طنز این صداها را با کله های گرم پاسخ می دهند .

ریاست اقتضای " شادگان "

جلاز " تنکر " امپریالیسم آمریکا به وزارت خارجه " روزنامه ایران آزاد " نوشت : انتصاف دکتر کیمیندر به مقام وزارت خارجه واقعه است که اهمیت جهانی دارد . این واقعه به مردم ایران امیدهایی عظیم می بخشد . بنام کیمیندر جمهوری ایران خواهانست تا امیدهای مردمان را در تبریک و در دکتر کیمیندر در اشتیاق به مقام وزارت خارجه آمریکا ابراز نماید . (" روزنامه ایران آزاد " - اوت - سپتامبر ۱۹۷۲) و در ادامه می نویسد : " با دعا می کنم که کیمیندر به امپریالیسم موم بود نه و بر مبنای انتقاد انتزاعی کند و بدین ترتیب به مرد سرپرست تبدیل نشود و در نوشتن حقیقی آنکه حقوق رسیده تا آن را رعایت کند . زیرا در ادامه این راه بدون شک شکست و انتزاع انتزاعی از لحاظ دیپلماتیک برای آمریکا بسیار خواهد آید " (همانجا) در جای دیگر به هنگامیکه انتقال رشوه خوری ها و دردی سیاسی در کیمین بالا آمده بود و روزنامه های امریکایی پرده از " کیم " های شاه به انتخاب مجدد در کیمین برداشته بودند در وقت که در دفاع از امپریالیسم آمریکا و کیم با سان کام خفید " کیمیندر " میباشند " نوشتند . " روزنامه ایران آزاد " این کوشش های اقتراب آتیر بر علیه ریاست جمهوری آمریکا را بیرون با نتیجه به مشکلاتی که در ریاست جمهوری با آید " کیمیندر " است محکوم می نماید . مگر آنکه شاه و دربار خدنگ ارتش بخواهند به هیچ شک و شبیه ای ایضا مانع از ریاست نمایند . کسا معتقدیم که این حصالات حساب شده بر علیه ریاست جمهوری کیمیندر باید فوراً متوقف و لغت شوند . " روزنامه ایران آزاد " " ژوئن و ژوئیه ۱۹۷۴) و در ادامه می نویسد : " روزنامه ایران آزاد ، کمیته برای ایران آزاد اعتقاد خلل ناپذیر خود را نسبت به قدرت و فساد ناپذیری دولت آمریکا و قدرت قانون اساسی آمریکا اعلام میدارد . " (همانجا) به نیالک بر کار می و روی کار آمدن محمد نژاد و در دست چنین شد مآثر فورده سیا به ناصر افشار دستمال ارتش می زدند ، و روی روان دروان برای بایوسی ارباب تازه از کیمیندر " خفید " میبورد و ناصر افشار در " نامای به فور -

رد از خلع می نویسد : " بهرینست فوتم عزیز بنام " نژاد " ۳۰ میلیون ایرانی که تحت حکومت شاه چهلوی زندگی میکنند و هزاران ایرانی که بدست سلطنت از ایران تبعید شده اند ، تا از این فرصت استفاده کرده و در تصاحب تمام نظام ریاست جمهوری آمریکا شرکت میگویند " . ما علم به سابقه به حق شما در حد اقتدار و راستی در اداره زندگی خصوصی و عمومی شما ، شما سرمایه تمام مردم آمریکا خوشحال خود را ابراز میکنیم ، نه صرفا به این دلیل که خاطره غم انگیز و ترازمی و واترگتت حالا واقعا میتواند یکبارگ داشته شوند ، بلکه همین به این دلیل که اکنون زمان تقارن نویسی است بر مبنای یک دوستی کهنی میان مردم ایران و آمریکا استواند " روزنامه " تبدیل شود و امید های تازه ای برای تمام ایرانیان بنام " آزادی " " روزنامه ایران آزاد " اوت و سپتامبر ۱۹۷۴) ناصر افشار در ادامه نامه سرابا جابلوشانه از خواسته های خود و با بیشتر کیمیندر محافل نان و آب دهان را در جنس اعلام میکند . " کیم " ما خواستار آتیم که بیشتر هلمز بازگردانده شود و بحالت سفیر سابق حقوق قانونی نگارده شود . مردی که در خدمات گذشته اش در تهران ، اقدام احترام و عشق تمام مردم ایران را بدست آورده است - حاکمیت کردن آقای هلمز با آقای قانون و با هر دو ضمانت محترم دیگری قید برجسته است در این برهه در وقت میان مردم ایران و آمریکا مردم ما خواستاریم تا ارتشهای متناوب و بزرگ راهمانان نظامی آمریکا در ایران به یک سطح بیشتر طبیعی و متناسب کاهش یابد " و " سوم ما خواستار آتیم که شما فروتنی اسلحه و رژیم پهلوی را با آید احمد و دریا اگر ممکن است کاملا قطع کنید " و آخر سر نیز در برابر ارباب تازه انتصاب شده از این روزبه میگفته " متشکرم آقای رئیس جمهور و مانند تا خداوند شما و آمریکا را در کوششهای برای صلح حقیقی و آزادی و تمام بشریت پاری دهد " . (همانجا)

این سگ دست امپریالیسم آمریکا که اخیرا با آن دلقق هنرهای ترضا برهانی مروت و به و بیستان های فراوانی نیز برآوردند داشته استندرا میخواهند بعنوان نماینده امپریالیسم ایران و جنشین امپریالیسم خارجه و کیمیندر " حاضر در خطر است " و مگر در ریاست تیرو باواک قرار دارد " بنشانند " و برنامه " ۶۰۰ دقیقه " نیز از جمله کثرت بود چنین کند . امپریالیسم آمریکا اصولا حاضر خود فریب و ترجیحی کثیر ناصر افشار و هفتادشتر برای همین مواقع و کارهانت که می بریزند ، و جنید اوری میکند . وظیفه این عناصر است که در همین مواقع " جبرانی " در دوره هاییکه مبارزات مردم در پیش از پیشتر شده و امپریالیسم آمریکا را در میلگه انداخته و با بهایشان سست تر از هر زمان دیگری شده است ، امید آن آید و وعده ای " بکرانی و آزادی " شوند . اینها با راههای خود به تمام امپریالیسم در حال اختطاری هستند که در او بسته گذارت میگویند که چه چیز کربنشته شده .

زنده باد وحدت رزمندگان فلسطین و ایران !

جرا بنین ...

اعضای یک خانواده کارگری بیوز ۱۵۰ دلار در سال نیست. لاین کار با سر سر بالا رهن قیمت بنین با حکومت ارگان ارتجاعی استراخیز پایان نکرده است. باینست به لاطلاعات محمد رضاشاه و رستاخیز بنین استخوانی در تهران باند مرتجع داد. حکومت شاه خانی که از تازشانی انجمنی و شدید مردم زمینکن و مستعد به با بخوبی واقف است برای رد کردن "میهمان" "سراخیز" در رستاخیز های ۲۹ اسفند ۱۳۵۵ بی نوسید. "هری کس با (بخواند سر دسته ارتجاع عین ایران "محمد رضاشاه) در پای فشاری برای صرفه جویی در مصرف مواد نفتی در جهان بیگناهم بود است و در این راه او نه تنها همه جیبانی را بشوق میگذرد بلکه کام نخست را خود با افزایش درجهی بیاید خنیز بر میآورد. و آنگاه ادامه میدهد "هدف اصلی و دراز مدت این کار (بالا بردن قیمت بنین) نگاهش مصرف مواد نفتی و تشویق مردم به صرفه جویی در مصرف این مواد است و اما یک هدف نزدیک نیز داریم و آن کاهش حرکت خودروها بر راههای ایران است و در خیابانها به این سان هم در دو دو هم نخر میزند و هم سر و صدا عاصاب مردم آرامتر شود. بویژه راه های آنها برون کاز تر فرود خواهد بود. بنابراین از لاطلاعات رستاخیز دستگیرمان میشود که دلایل بالا بردن قیمت بنین گویا:

- ۱- بنا بر تصمیم "داهانه" محمد رضاشاه جمع کردن مردم به صرفه جویی در مصرف مواد نفتی
- ۲- دخل سالانه تریاک و "دلسوزی" در مورد انصاف گویا بویه های مردم بوده اند

اولا - محمد رضاشاه خائن غلطی که در باره صرفه جویی مواد نفتی سخن پیراگنی کرده و بالاین "جیبانیان راهم تشویق میکند" محمد رضاشاه این بجه قوت از طرار و توکر امپریالیست ها که تمامی ثروت حاصل از نفت ایران را برای کمانی های افسانه ساز و جاسوسی پوری امریکاییان و فراموش کردن سرمایه داران خارجی ریخته است را چیه مرصه جویی در مصرف نفت؟ محمد رضاشاه که تحت حکومت خاندان نیکین قرار داد و امپریالیست های ۹۹ ساله ۵۰ ساله ۶۰ ساله ۷۰ ساله ۸۰ ساله ۹۰ ساله برای جیبان منابع نفتی ایران با کارهای مختلفی بنشیند که به تبلیغ در باره صرفه جویی نفت؟ محمد رضاشاه که دستاورد طوبیونیا بوده ایرانی در ملی کردن منابع نفت در ایران حکومت صوری را برای حفظ جان و تخت را از امپریالیست های امریکایی کرد را چه به دلسوزی در مورد مصرف نفت؟ محمد رضاشاه که یک قم ۵۰۰ میلیون دلار نفت را مستحقا با مؤسسه های امپریالیست انگلیسی تحویل کرد را چه به تشویق جیبانیان در صرفه جویی نفت؟ محمد رضاشاه که این روزها از طرار و توکر جیبان خارجی به امپریالیست ها پیام میفرستد "ما یول نداریم ولی نفت داریم بیاید و بورد و در عوض ما اسلحه بدهید و حکومتی را در نام ملی کنید" را چه سخن پراکنی در مورد اهمیت ذخایر نفتی؟ محمد رضاشاه بی شته و بی شرف را چه به این غلط کردنها و بی شرفی است دیگر از این غلط ها نسکند "این از هدف "اصولی او" از ازنات "و برین تر سر" هدف ترستیست " اید این رستاخیز.

ثانیا - هدف نزدیک "بالا بردن قیمت بنین" آنطوریکه رستاخیز سخاوته جلوه میدهد گویا برای حل "مساله تریاک" آلوتی گویا "استور آنیم سندی" صورت که دیگر مردم حساب خرج زمین را بکنند و "بخود و بیجهت" در خیابانها ماشین هایشان راه آیند بدارند. "نمیهد رستاخیز" ۸ فروردین ۱۳۵۵ (چگونه فاشیست مآبانه این جرندها با پشت سر هم ردیف میکند؟ "طبیعی است که از این قیمت افزایش بر محول، مصرف، همراه دارد و ما روزانه شاهد هستیم که مردم ایران که الا های بی اهمیت و گاه از روی هوی و هوس انوسیلیای خود را در خیابانها رژه میدهند امروز در بسیاری از کشورهای خلی پیشرفته از روی ردم و اغلب در مورد بسیار ضروری و نیز برای تعطیلات آخر هفته انوسیلیای شخصی خود را مورد استفاده قرار میدهند و در مورد دیگر از وسایط نظیر موبایل استفاده میکنند که هم بفره استنهم در کاهش آلوتی گویا مؤثر است و هم ز آلوتی گویا صدا میکند بالاخره خیابانها را خلوت تر میکند و مردم هم زود تر کار های خود میسرند!!" این مرتجعین چه کسی را با این لاطلاعات میدهند فریبند؟ مردم ایران را؟ که خوانده اند. مگر مردم چشم ندارند؟ احساس بریدند و عقل ندارند که این لاطلاعات فریبشان بدهد. مردمی همیشه خوب هم میشوند و این جرندها را بر فرقی سر هر آنکس که شخوارشان کند میگویند.

رستاخیز از کدام "وسایط نظیف عمومی" صحبت میکند؟ از کدام "تصوی هوا" میگوید؟ مگر مردم ایران صفای دور و دراز اتو بوسیا یعنی شرکت واحد را شنیده اند؟ ساختها بر آنها تابسانند اند که حالا در روزهایی کویز مآبانه تنها درباره "مساله نظیف عمومی" را باور کنند؟ مگر انوسیلیای شرکت واحد خالی در خیابانها در حال جولان هستند که شما مردم را به استفاده از آنها خوانده میکند؟ مگر مردم وند و دیدگاه چند "نهالستان" در راه فرود تهران نشسته و نشسته اند؟ مگر مردم چندند اند که باینست برای تاکسی ساختها با ناظر باشند و بر آخر نیز سرو کول هم سوارش شوند؟ مگر هزاران انوسیل شخص نیست که بجای تاکسی ر میکنند و باز "وسایط نظیف عمومی" مگر استهانتا کویز زاده ها چه کسی میخواهد با این لاطلاعات بفریبند؟ که خوانده اند این مردم چشمانتان خواهند آمد نیز ترستیان از همین است.

۱- در باره "هوی و هوس" مردم: چندینی است که کارگران حکومت شاعری برهبری شخ رشید رضاشاه بصورت فاشیست مآبانه میخواهند نفسی ا بلایانی را که بر سر مردم و ایران آورده اند بگردن خود ایرانی میدانند. از راس وضع صنایع و رشکته ایران "تغصیر" مگر کارویز "تنلی" کارگران است تا بنسان از سویی مبارزات بخش کارگران از نقطه نظر کنند و از دیگر سویی قوی خیز

را از جیبانگویی به اوضاع تا سامان صنایع ایران "رهائی" بخشند. نبود مواد غذایی از گوشت و میوه گرفته تا حبوبات را با تغصیر "هر هوی و اصراف" و "زهدی" گوشتخوار بودن" مردم میگردد. تا به جیبانگویی از پاسخوگی به مردم چشمکین ایران "خلاص" کنند. و بالا وضع جراب تریاک نه بخلت نبود راهها. و جابه جابه درز بهای بی بار و کارگران نشان و انصافات تریز بلکه "هوی و هوس" رشتگان در "روز" در این انوسیلیایان است. زهسی و راحت! که خوانده اند اگر باور دارند که مردم تحمیل میخیزند. میدانند که مردم هشیارند و ترسشان نیز از همین است که مردم بر خیزند و چیکند؟ رستاخیز میگوید "طیعا افزایش قیمت بنین چشکهای مختلفی در بین مصرف کنندگان بوجود آورده است" آنچه که رستاخیز قیمت های مختلف نام می بخشد در حقیقت چیزی جز تازشانی رشتد باینده مردم بصورت عام و در اینجه از بالا رهن قیمت بنین نسبت به این چیزی است که رستاخیز و نویسدگان آن از آن سخت هراسانند. با اینجهت لاطلاعات پیش گفته شده را چاپ میزند. رستاخیز ادامه میدهد: "البته اگر فقط از نقطه نظر مصرف کننده به موضوع بگرسیمته شود باید از این اظهار گله و شکایت به اوجهی هم.

اولا رستاخیز و گله و شکایت تریه سخت هراسان است و میخواهد بدان مبارزتا. ولی همه همین پریشان از این گله و شکایت که معنای بجز اعتراض ندارد استقبال کرده و بدان پشتیبانی میکنند. این اعتراضات و گله ها و شکایات "میروند که به حرکت مادی طبیعی تبدیل گردند. و آن روز دیگر قیمت که این حرکت تریه و اعتراضات این خشم ملت بساطت حکومت رستاخیزان پهلوی را به آتش کند. بسه امیسه آن روز!

اسراف

در شرایط امروز نظامن که فتنار زندگی هر روز بیشتر شده و اکثریت مردم از خدایه مایحتاج زندگی مانند مسکن پوشاک و بویژه مواد غذایی محرومند و کمبود و کرائی پیدا میکند و از آنجا که رژیم ظلمت تمام سیاستهای وارداتی و واردات بی حد و حصر قادر به بر طرف کردن وجوبانگویی به مسائل کمبود و کرائی مواد در بازار نیست مجبور به وارد کردن به سیاستهای کویز و اعلانی و تحمیل و سرکوب سنی از پیش شده است. چنانچه تنازکی جریان "سبب انکار عمومی برای مردم و در علم کرده و در زیر این لولا شدت تریس حالات را از تمام جیبان به خلق رخنگی ما اجمال میکند. مثلا میگوید: "کارگران ایران تنها ملذذت بویجهایشان از خرج سنگین و تفریحات اغیانی بکنند. و یا عکس از یکی از سفرهای درباری انداخته می نویسد: "مردم ایران همعادات به سفرهای رنگین دارند. و با آن خوانده میشود ۵۰۰ امیران این خائن مزدور طی مقاله "خلوگری از اسراف و زهدی از صرفه جویی است" می نویسد "همه چیز خوی و همه چیز خوری سازمان ما را به استعمار فدائی میکند" و باینکه می نویسد "مگر مردم امروز جامعه ما عزیزند از دیروزند که این چنین تریز آمد. ملی خود را که باید سرافراز ساز فرما باشد. صرف برخی و نفس و خجلت کنند این دلقه مزدور آبیچنان این مسئله را ندانند که گویی تنها شنگ اختفای که خلوی پای این رژیم سر سیزده و زهدی بود دارد" و بخرق "مردم زمینکن باست باید از اشان سواک کرد برآمد. ملی ما که صرفا صرف پر کردن جیبانهایان امیرتالیستی این شاه سه جیره و ساختن تولاها و کاخهای عذیب و غریب برای اینان قدر طبیعی و سربار جامعه میشود کدام می تواند سرمایه مزار فرای ملکت ما باشد؟ در حالیکه فقط در سال ۱۳۵۲ صنعت و هفتصد هفتصد هریزدولت یعنی درآمد نفت ایران) پای امر نظامی بوروکراسی و ساواک و غیره ریخته شده باز رژیم خود اجازه می دهد که وجهت تصحیر اصلی تمام بدیا را بگردن مردم ما بیندازد. ولی رژیم مزدور محمد رضاشاه باید بداند که اکثریت مردم گرسنه ما بیدارند و جواب این هرزگیها ها را بخی خواهند داد!

سازرات

دانشجویان ایتالیایی

تظاهرات تریه و مارس دانشجویان ایتالیایی که با شرکت کارگران جوان جکار از ریختگی خاصی برخوردار بود در واقع برای اعتراض به وضع بد اقتصادی ایتالیا و بیشتر نزدیک به دو میلیون جوان بیگار و همچنین شرایط تحصیل در دانشگاههای ایتالیا بر پا گشت. این مبارزات خواب دندان شکنی به نفع های وزارت آموزش و پرورش ایتالیا برای محدود کردن تعداد بفرشته شدهگان در دانشگاهها و مشگل کردن شرایط تریس دانشجو در دانشگاهها و نفعی محدود و تپجاری درسی دیگر که در سالهای ۵۸- ۱۹۶۲ جستن دانشجوین در آن دست یافته بود داده توانست دولت دمکرات مسیحی حاکم را وادار به تعویق اجرای تصمیم خود کند.

تظاهرات دانشجویان در اوایل تریه از دانشگاههای بالینو و نابل تریز و چند و به سرعت به شهرهای شمالی ستران کرد. در تظاهرات دانشجویان و نظامی هر کنندگان از نمب های آتیرا - سنکه و بیخ های آتین استفاده کرده دانشجویان ها و انوسیل های زیادی را در شهرها محصور موم به آتش کشیدند. در شهر بولونیا که حزب سازشکار و ضد انقلابی "کمونیست" ایتالیا در آن ره که قدرت استثنایی از رهبر ان تظاهر کنندگان توسط پلیس فاشیستی بولونیا بقتل میرسد. در تریز در مبارزه و نسعی که بین تظاهر کنندگان و پلیس در گرفت تظاهر کنندگان به آتش مسلسل های پلیس پاسخ گفته در این گم و در این یکی از اعضا پلیس "فات تریز" کشته شدند در مردم تظاهرات وسیع دانشجویان با حمایت کارگران جوان جکار خیزه شتر به اشتغال

ل دانشگاه رم انجامید. در تشییع جنازه دانشجوهار و بولونیا نیز ۱۰۰۰۰ نفر به خونخواهی او برخاسته با شعارهایی چون "ما به انتقام خون رفیق ما را پس بدهید" انوسیل و انوسیل های زیادی را در مرکز شهر به آتش کشیدند و تن با مح های آتیرا و میله های آهنی به دفاتر مرکزی حزب دمکرات مسیحی در تریز دادند. کثیری و کسولگری شبلی هجوم برده در سرازه خود کیمانی قویز غنایات و کیمانی نفت کالفا را مورد حمله قرار دادند.

سازرات وسیع دانشجویان ایتالیایی در سالهای ۶۶- ۱۹۶۸ برای بهتر کردن شرایط تحصیلی در دانشگاهها و مدارس عالی و سایر در خواستها دولت دمکرات مسیحی حاکم را مجبور به عقب نشینی و برداشتن امتیازاتی از قبیل باز بودن در دانشگاهها بروی طایف تحصیلان دبیرستانها و شرایط بهتر تحصیل در مدارس عالی کرد. شرکت وسیع دانشجویان در دانشگاهها و اوضاع اقتصادی ایتالیا و عدم توجه به مسائل دانشجویان باعث تلویق دانشگاهها و کمبود کلاس و استاد و وسایط تحصیلی شده بطوریکه مثلا در دانشگاه رم که دانشجو شرکت ۱۰۰۰۰ نفر در دانشگاهها است. تده ایک پیش از ۱۵۰۰۰ نفر در آن تحصیل مشغولند و با دانشگاههای ایتالیا لیا به دو برابر ظرفیت خود دانشجو دارند. دانشجویان ایتالیایی بخر از اسایل دانشگاهی با عدم وجود بازار کار روبرو تریه بطوریکه ۷۰۰۰ فارغ التحصیل از سال فقط ۳۰۰ امکان یافتن کار دارند و بقیه به خط ۲۱۰۰۰۰ نفر فرستادند.

التحصیلی بی که هنوز بدینال کار هستند خواهند بویست. عده زیادی را در این دانشجویان محلت نمود کار در رورن دانشگاهها شش نام میکند. در حقیقت گسترش دانشگاههای ایتالیا بدین امتیازات تعداد استادان کجایان و غیره بسیاری محقق کردن این بیگاری در جامعه ایتالیا بوده بطوریکه دانشجو یان دانشگاه رم در تظاهرات خود آنها را "کارخانه وسم بیگاران" نامیده چرا که اکنون بیش از ۸۰۰۰۰ هزار نفر از فارغ التحصیلان ایتالیا در دانشگاهها بگردند.

تظاهرات قوی دانشجویان ایتالیایی شانه آورده اند انتصاری این کشور و سیر تقوایی شرایط زندگی کارگران این کشور و نا سامانی اوضاع اقتصادی سیاسی است. انتصارات ده ملیون نفر کارگران سراسر ایتالیا در روز ۱۸ مارس در دوران اوج تظاهرات دانشجویان و حمایت و پشتیبانی کارگران از دانشجویان ناموهی آن کشا را که در خواب رویای خاموشی دانشجویان و بی تقایی آنها را نسبت به مسائل جامعه و از این رشتن خشن ها ی دانشجویان را می بیند نظر بر آن کرد. اکثر در تظاهرات دانشجویان سالهای ۶۸- ۶۹ "حزب کمونیست" ایتالیا برای گرفتن امتیاز بیشتر از دولت میوزوری ایتالیا از خواسته های دانشجویان حمایت کرده میب تریون دستر دانشجویان ایتالیایی نشان جنبه امپریالیسم و این مملکت کند. در سال ۱۳۵۲ "سازرت تاریخی" را در جریان اردوگاه میوزوری و حزب دمکرات مسیحی تریز حمله قرار میدهند. اگر تا روزه این آستان بماند اردوگاه میوزوری تریز شرکت در حکومت جمعی "هری دستر" از روح حزب دمکرات مسیحی مکتباند نندند امروز تا عمرانیتر شدن نامت واقعی حزب "کمونیست" ایتالیا خصوصا پیراز اشتیاقات تریز ۱۹۶۱ که با همکاری "کمونیست" یا میوزوری حاکم برای حمایت و ولت در اقلیت حزب دمکرات مسیحی استفاده نموده های دانشجو به مخالف سازمان دولت و تظاهرات حاکم و تقاضای "کمونیست" آن برای گرفتن حقوق بیشتر شدند. مبارزات نمودی در کشورهای تریز ریشه در بحران معیشتی که دانشجویان این کشورها شده داشته در جهت نابودی سیستم استعماری و امپریالیستی حاکم گام بر میدارند.

کلمات قصار

تعلق در زمانه سنتی می سپردار تهران و علامت سر سیزده دیوار (۳۰ سپه ۱۳۵۵ در آفاق سن انقلابی جوانان ایران) "حاری کویته ای از" اراشده طریق "تاری" خلی "مشکلات شهری و در عین حال شلوغی بازارانه از ناتوانی رژیم و ضلالت در مذاکره با نا رضایتی توده مسانده.

سه عدد از لای کلمات "تقدار" این تلفظ پیدا کنند - یک مسخر - ف کرس از اذهان از روی تعداد های اساسی و رشت های جامعه بروی یک تری مشکلات روزمره و ملیون که خود از تعداد های اساسی سخن میگویند. دوم باینست آسرد بروی ناراضی تریه یا "اقتدار کردن" به کمبودها و نارسائیتها و تریه ناتوانی دولت در حل آن و تریسوم و اساسی ترین آنها آماده کردن اذهان زمینکنان جامعه برای برداشت مآلمات و خراب و در وضع چندان به دولت و در یک کسلا م در آن تشدید انتشار جناح و عار و آتیر که لازمه ادامه حیات تشا را حکومت مستبد رضا شاه در سال تریز است.

سخناتی نظیر: "شهرداری تهران" و "نوع جدید مستطع عده" میکنند که مردم فقط از چند نمونه آن گاهی تریان "یا "خدمانی که برای عمران منطقه شهبان بپهلوی مشغول به ملیون و باخند اقتدار تریز میروند در حین آن خسته مات قرار مگردند در هیچ گاهای دنیا مشابه ندارند. نانه های در تریه بدون برداشتن کلاس چین حساب "نک بی" و مالی مردم خوری آنها و در نهایت برای عوام تریز و غلط اندازی است. این تریز تریه مردم کرده است. اصلا در شهر زمینند که آثار "خدمت مآلمات" آنها را بسیند. "یا جمله "خدمت مآلمات" که آن شهروان را لوله کشی و آسفالت کاری و حیوانات سنی "شهبان" پهلوی است. منطقه وسیعی در کنار "بزرگراه" است. که در حین "بخال" درباری زمستوار و تریکهای ساختمانی حمله آ با ما با تعد گسترل و با شرکت ماند هر و تریز پهلوی میبایند. در حقی دیگر "۰۰۰۰۰"

برای درهم شکستن "رستاخیز" شاه - امپریالیسم آمریکا با خیزیم

چرا بنشین ...

اعضای يك خانواده كارگري بينز ۱۵۰ دلار در سال نيست. لاین کار ما بر سر بالا رفتن قيمت بنزين با حکومت ارگان ارتش است. استخار پايان نگرفته -

رويايی به لاطاللات محمد رضا شاه و رستاخيز بنين در خواب اين باند مزيج دارد. حکومت شاهي که از ناراضگان افشاري و شديده مردم رزمنگين و مستنديه با بچوي واقف است برای رد کم کردن "توجهات" سمرانچايي را در رستاخيز های ۱۹۹۹ استعد و ۸ فرودين تحویل مردم میده. رستاخيز (۲۱ آيندۀ ۱۳۵۵) نويست: "رهبري کشور ما (بخوانيد سرود استعد) معين ايران، محمد رضا شاه) در پاي فشاري برای صرفه جويي در صرف مواد نفتي در جهان بيستگام موده است. بر اين راه راه تهي نشدند. تنها همکمي بنين را تشويق ميکند بلکه کام نخست را خود با افزايش درجتي سهاي بنزين بر مي دارد و آنگاه ادامه میده. هدف اصلي و دراز مدت اين کار (بالا بردن قيمت بنزين) کاهش صرف مواد نفتي و تشويق مردم به صرفه جويي در مصرف اين مواد است و اما صرف مواد نفتي نيز در آن و کم کاهش حرکت خود بر رها بر راههاي ايران است و در خيابانها به اين سان هم در دوپهم کمتر مي شود و هم سرود اصحاب مرد آزاديست خواهد بود. ربه هاي آنها هزاران پاک تر فرو خواهد بود. بنا بر اين از لاطاللات رستاخيز دانشگويان استعد که در لايه بالا بودن قيمت بنزين گويان:

- ۱- بنا بر تعميم "داهيانه" محمد رضا شاه مجبور کردن مردم به صرفه جويي در مصرف مواد نفتي
- ۲- دخل ساله ترافیک "دلسوزي" در مورد انقباض کوشها بويه هاي مردم ميدهد.

اولا - محمد رضا شاه خائن غلظيکند که در باره صرفه جويي مواد نفتي سخن پوي انگي کرده و بالا تر "جيهانپان رهام تشويق ميکند". محمد رضا شاه اين بچه فتنه اي طراز و بزرگ اميرالبيست ها که تلميح ثروت حاصل از نفت ايران را بپاي کمانتي هاي اسلحه سازي و جاسوسي پوري امريکائيان و فربه کردن سرمايه داران خارجي ريخته است را چه بر صدمه جويي در مصرف نفت؟ محمد رضا شاه که تحت حکومت خاندان ننگين قرار دارند و استعماري ۹۹ مباله ۵۰ ساله ۲۰ ساله ۲۰۰۰ براي جايول خايغ نفتي ايران يا کارخانه نفتي بسته شده را چه به تبليغ در باره صرفه جويي نفتي؟ محمد رضا شاه که دستاوردها طغيانيا بوده از اين طرف و صنايع نفت در دوران حکومت صديقي براي حفظ تاج و تخت از اين اميرالبيست ها ي امريکايي کرد را چه به دلسوزي در مورد صرفه جويي؟ محمد رضا شاه که ۲۰۰ ميليون دلار نفت را مستقيما با مستکبهاي امريکايي تحميلي کرد را چه به تشويق جيهانپان در صرفه جويي نفت؟ محمد رضا شاه که اين روزها از زطرف بون جوجه خورنگار خارجي به اميرالبيست ها با هم مي فرستد "ما پول نداريم پول نفت نداريم بنمايد و سربند و در عرض ما اسلحه بدهيد و حرکت من را تضمين کنيد" را چه سخن پراکنی در مورد اهميت افزوده هاي نفتي از محمد رضا شاه بي تنه و بي شرف؟ ربه به اين فلظ کوشها و بهتر است ديگر از اين فلظ ها نسکند. اين از هدف "اصلي و دراز مدت" و بزرگ سر "هدف نونيست" ايد اي رستاخيز.

ثانيا - "هدف نونک" بالا بودن قيمت بنزيني است و رستاخيز نخواهد جلوه نمايد. هم گويي ميرا حق" ساله نوزدهم آلودگي هوا ... استخوانم سينه من صورت که ديگر در حساب خرج بنزين را نکنند و بخود و بيچيست " در خيابانها ماشين هايشان را راه تيندازند. سبنينه رستاخيز (۸ فرودين ۱۳۵۶) چگونه فانست با تهي اين جرنديان را پشت سر هم در دفع ميکند " طبيعي است که ارزاني قيمت افزايش بر معقول صرفه دار و همرا دار و با روزانه تلفد هفتيم که مردم براي کالاهاي بي اهميت و گاه ارزي هي و هيمن انويليهاي خود را در خيابانها روزه مي دهند. امروز سر بسياري از کوشهاي خلي بيشرته از اين مردم اغلب در بورد سيار فبروي و نيز براي تعطيلات آخر هفته انويليهاي شخصي خود را مي برد. استعد بجزر ميدهند و در بورد ديگر از وسايل نظيره عمدت استعد و مستند که هم مصرفه استعد هم در ناهنجار آلودگي هوا موثر است. هم از آلودگي مي گويد و يلاخره خيابانها را بخيرت برده مردم هم روزمره بکار هاي خود ميکنند! اين مترجمين چه کسی را با اين لاطاللات مجواهند برهنند؟ مردم ايران را؟ کو خوانده اند. مگر مردم چشم ندارند انحصار مندانه رند و عقل ندارند که اين لاطاللات فرستادن بدهد. مردم هيچ بينند خوب هم مي بينند و اين جرنديان را بر فرقي سر هر آشکي که نشوارشان کند ميگويند. رستاخيز از کدام " وسايل نظيره عمومي " صحبت ميکند؟ از کدام " نيميز هوا" مي نويست؟ مگر مردم ايران سهاي ديور و دراز انويليهاي نفتي شرکت واحد را ندیده و ساعتها در آنها نايستاده اند که حالا در روضاي گولون گمانه شن در باره " وسايل نظيره عمومي " را باي رکنند؟ مگر انويليهاي شرکت واحد خلي در خيابانها در حال جوشن هستند که شما مردم را به استفاده از آنها خواره ميکند؟ مگر مردم پنده و وينه هاي چند ده ساله شما در باره خرتو تهران نشينده اند؟ مگر مردم چيدانند که بايستي بران تاکسي ساعتها بانتظار بايستند و در آخر نيز بر سر نوب هم سوارش شوند؟ مگر هزاران انويليل شخصي نيست که بجاي تاکسي کار ميکند و باز " وسايل نظيره عمومي " است که شما گولون زاده ها چه سي را مجواهند. يا اين لاطاللات فرقيست: "تعمير کارخانه" خلي " کارگران استعدا دار خود نيز ترستان از همين است.

اما در باره " هوي و هوس" مردم: چندي است که کارگران حکومت رستاخيز بر هويي شخصي محمد رضا شاه بصورت فانست با تهي مجواهند. تصور نا ابلانها را که بر سر مردم و ازيان آورده اند بگردد توده ايراني بنيندازند. خرابي وضع صنايع و ريخته ايراني "تعمير کارخانه" خلي " کارگران استعدا بد نيشان از سوي مبارزات بحق کارگران را قطع کنند. که در ديگر شو قوه خيشت

را از جوايگوشي به اوضاع نا سامان صنايع ايران " رهائي " بخشند. نبود مواد تنزالي از کوشيت و سويه گزنتا خواربار را بغير " بر غوي و اصراف" و " زيادي" گوشخور بايون" مردم چکدارند تا به جويها از باسکوشي به مردم خشکون ايران " خلاص " کنند. و حالا وضع خراب ترافیک نه بعلت نبود راهها و جابه جابه بود بپاي ديور بار و کارگران رانسانه اقتصادات شرق

بلکه " هوي و هوس رانندگان در " روزه" دادن انويليهاي پان است. رهس و قاحت! کو خوانده اند اگر باي دارند که مردم تحميلي ميکنند. ميدانند که مردم هيشارند و ترسنيان نيز از همين است که مردم بريخيزند و چگونگي؟ رستاخيز نويست: "طبعما افزايش قيمت بنزين بجهت هاي مختلفي در بين صرف کنندگان بوجود آورده است. آنچه که رستاخيز تحت هاي مختلف " نام ي- بخشند در حقيقت جيزي بجز ناراضگي ريشه يابنده مردم بصرفت عام و بر اين بود از بالا رفتن قيمت بنزين نيست و اين آن جيزي است که رستاخيز و نويستگان آن از آن سخت هراسانکند. با بنجيت لاطاللات بنينگشده را با چاپ ميکنند. رستاخيز ادامه میده که " البته اگر فقط از نقطه نظر مردم بديده به موضوع بگره بسته شود بايد از اين اظهار گله و شنگايته و رنج خود بچشم."

اری! رستاخيز از " گله و شنگايته" توده سخت هراسانک است و ميخواهد بدان مهارزند. ولي همه ميچين پرستان از اين " گله و شنگايته" که معنای بجز اعتراض ندارد استقبال کرده و بدان پشتيباني ميچسند. و اين اعتراضات و " گله ها و شنگايته" ميروند که به حرکت مادي عظيمي تبديل گردند. و آن روز ديگر نيست که اين حرکت بوينده اعتراضات اين خشم ملت بساطت حکومت رستاخيز پاي پهلوي را به آتشکشد. به اميد آن روز!

اسراف ...

در شرايط امروز وطنمان که فشار زندگي هر روز بيشرته شده و اکثريت مردم از جحش با محتاج زندگي مانند مسکن پوشاک و بيوه مواد غذائي محروميت و کمي و کراي سداد ميکند و از آنجا که رژيم ضريف عام سياستهاي وارداتي و واردات بي حد و حصر قادر به بر طرف کردن و جوايگوشي به مسائل کمي و کراي مواد در بازار نيست مجبور به رو آوردن به سايشهاي گولوني و اعمال زير و تحمق و سرکوب ستر از بين شده است. چنانچه نتازگي جريان " سبيع افکار عمومي بر صرفه جويي در علم کرده و نادرين اين لوا شد بترين خلافت از تمام جهات به خلق رستمکس با اعمال ميکند. مثلا ميگويد: کارگران ايران بايد بلند تن پهلويشان را خرج سنبلا و تفريحات اعيايي نکنند. و با عکس از اين استر ههاي درباري انداخته و بي نويست " مردم ايران معاملات به ستر ههاي رنگين ندارند" و يا در خواندهنها بهمين ۵۰ امريان اين خائن مزد بر طبق ماله "کلنگرد" از اسراف و ابدست از ضريف عمومي استه مي نويست. " همه جيز خوي و همه جيز خوي سرتانجام ما را به استعد غذائي ميکند" و يا اينکه مي نويست " مگر مردم امروز جامعه ما عزيزند يا بيرونند که اس جنين تزيه آمد: ولي خود را که بايد سرمايه ساز فردا باشند. صرف بجزوي و تفنن و تحلل کنند. اين دنک مردم رانجيان اين مسئله را عنوان ميکند که کوهي تنها مشگک انضادي که جلوي پاي اين رژيم سر سبزده و سفير ميورد دارد" و برخي " مردم زحمتکن ما ست. بايد از اسرافان سواد کردن. حلي ما که صرفا صرف بر کردن خيب اربابان امير" تا ليستي اين شاه همه چيزه و ساختن زياده ها و کاخهاي خيب و غريب براي اين فتر طبعلي و سر بار جامعه متفرد گياي مي تواند سرمايه ساز فزاي ملکت ما باشد؟ در حالیکه بطور سال ۱۳۵۲ شمست و معتقد رعد " خزينه دولت" يعني درآمدها نفت ايران) ياي امير نظامي و سرکراسي و ساواک و غيره ريخته شده با رژيم خود اجازه نمي دهد که وقتنامه تصوير اصلي تمام ملای را بگردن مردم ما بپندارد. ولي رژيم مزبور محمد رضا شاه بايد بداند که اکثريت مردم گرسنه ما بنيدارند و جواب اين هرزهگوشي ها را بحق خواهند داد!

سازرات دانشجويان ايتاليا

تظاهرات افروزه و مارس دانشجويان ايتاليا که با شرکت کارگران جوان نيکار از زندگي خاصي برخوردار نيون. رزواقي براي افزايش وضع بد اقتصادي ايتاليا و بهبود زندگي در دو ميليون جوان نيکار و محنتي شرايط بد تحصيل در دانشگاهها ي ايتاليا بر ياکتند. اين مبارزات حوالت دندان شگي به نفعه هاي وزارت آموزش و پرورش. ايتاليانراي محمدرود کردن تمامه بد عزيزانه شنگان دانشگاهها و مشگل کردن شرايطه برود دانشجو در دانشگاهها و بعضي معدود تهيي درسي ديگر که در سالهاي ۱۹۶۸-۱۹۶۹ جنس در دانشجويي به آن دست يافته بود داده توانست دولت دمکرات سنجي حاکم را وادار به تعويق اعراي تعميم خود کند.

تظاهرات دانشجويان در اوائل فوريه از دانشگاههاي پالرمو و ناپل تيز و چيد و به سرعت به شهرهاي شمالي ستر ايتاليان. در تظاهرات دانشجويان و نظامي هر کنيگان از نيب هاي آتش را سبک و بيچ هاي آهمن استفاده کرده ماشين ها و انويلوس هاي زيادي و ادر شويها خصوصا دم به آتش کشيده. در شهر ناپولونا که حزب ستر ايتاليان و در انقلاب " کمونيست" ايتاليا در اريکه قدرت است نيکي از رهبر ان تظاهراتکنندگان توسط پليس فاشيستي مولونيا مفلظ ميروند. در نويون در سرازره وسنجي که بين تظاهراتکنندگان و پليس در گرفت تظاهراتکنندگان به آتش سلسله هاي پليس پاسخ گفته در اين کم و در اريکي از اعضا پليس " ضد تويون" تون کشته شد و در تظاهرات وسيع دانشجويان نا خياست کارگران جوان نيکار خونه شهر به اشغال

ل دانشگاه رم انجاميد. در تشريح شماره دانشجوي مبارز مولونيا ميتر از ۱۰۰۰۰ نفر به خوشنواهي او برخواسته با شعارهاي چون " ما به انتقام خون رفقي ما را بس رهيد" انويليل و انويليوهاي زيادي را در مرکز شهر به آتش کشيده. شتر با س هاي آتش را و سله هاي آهني به دفتر مرکز حزب دمکرات سنجي دفتر وزير داد گستري و کوشگري شبلي هجوم برده در سرازه خود کميان قوت و ثبات و کمياني نفت کالفا را مورد حمله قرار دادند.

سازرات وسيع دانشجويان ايتاليا بر سالهاي ۱۹۶۸-۱۹۶۹ براي بهتر کردن شرايط تحصيلي در دانشگاهها و در ايرسالي و ساير درخواستها دولت دمکرات سنجي حاکم را مجبور به عقب نشيني و دادن امتيازاتي از قبيل باز بودن در دانشگاهها بروي فارغ التحصيلان در ستر ايتاليا و شرايط بهتر تحصيل در ستر ايتاليا کسر و ترک وسيع دانشجويان در دانشگاهها و اوضاع بد اقتصادي ايتاليا و وضع نومه به مسائل دانشجويان باعث تشويق دانشگاهها و کمي و کراي در استاد و وسايل تحصيلي شده بطوريکه مثلا دانشگاه رم که براي شرکت ۲۰۰۰ نفر دانشجويان ساخته شده اينک بين از ۱۵۰۰۰۰ نفر در آن تحصيل مشغولند و با دانشگاههاي ايتاليا به و برابري ظرفيت خود دانشجو تر اند. دانشجويان ايتاليا نگر از سايل دانشگاهها با عدم وجود نازار کار روزمره بطوريکه ۲۰۰۰ فارغ التحصيل است. مثلا فقط ۲۰۰ امکان يافتن کار دارند و بقيه به خيل ۲۰۰۰ نفر وسيع التحصيلي بي که هنوز بدنياال کار ندارند ميوانند بويست. عده رباي ي ارباب دانشجويان بعلت نبود کار در نويون دانشگاهها شت با هم ميکند و در حقيقت گستر خرابي دانشگاهي ي ايتاليا به دن افزايش تعداد استادان و کاشخانه و غيره يساري سنجي کردن اين نيکاري در جامعه ايتاليا بوده بطوريکه دانشجويان دانشگاه رم در تظاهرات خود ايتاليا " کارخانه وسيع نيکاران" ناميده چرا که اکثن بين از ۸۰۰۰ هزار نفر از مارا التحصيل اين دانشگاهها نيکارند.

سازرات فقيري دانشجويان ايتاليا نشانه ابرام به اقتصادي اين کشور و

ستر فقيراني شرايط زندگي کارگران اين کشور و نا ساماني اوضاع احتمالي سياسي است اقتصاد بد مليون نفر کارگران اسرام ايتاليا در روز ۱۸ مارس در دوران اوج تظاهرات دانشجويان و تحمق و بيچستي کارگران از دانشجويان باوهامي آن نگاه را که در خواب رويي خاموشي دانشجويان و بي تقوايي آنها را نسبت به مسائل جامعه و از بين رفتن خشرها ي دانشجويان را مده پند نقد بر آکرد. اگر در " افرايت دانشجويي سالهاي ۱۹۶۸-۱۹۶۹ " حزب کمونيست" ايتاليا براي کردن امتياز ستر از دولت مولونيا ايتاليا درخواست هاي دانشجويان حالي کرده موج نويين خشر دانشجويان ايتاليا اين فغان جيره امرياليسم و اين محبت کند ار مسائل آميز و " ستر تاريخي" را در همان اردنگه روزيوار و حرب دمکرات سنجي خيزه حمله قرار شده. اگر تا در نويون اس آستان بهمان بگراي مولونيا براي شرکت در حکومت چماق " رهبري خشر" را بر حرب دمکرات سنجي ميکند. ننده امروز نا عزبانتر شدن مهابت واقعي حزب " کمونيست" ايتاليا خصوصا پير از اشاعات ۱۹۶۷ که ما هکارگي " کمونيستي" با روزيوار حاکم براي خراب و لث در افقيت حرب دمکرات سنجي انجاميده توده هاي دانشجو به مقابله و مبارزه دولت طبقات حاکم و عمال کمونيست " آن براي گرفتن حقوق خود ميکشان. ريشه مبارزات توده اي در کشورهاي غربي ريشه در بحران عملي که دانگين اين کشورها شده داشته در جهت نابودي سيستم استعماري و امرياليسني حاکم کار بر مي دارد.

کلمات "قصار"

تأليف: علامه شندي ي شهيد ادي تهران و علام سر سيزده در برابر ۱۳۵۵ بهمين ۱۳۵۵ در آياتي سن الطليل خويان ايران (حاوي گويشهاي از " اراشه طرق " نيز ي " نخل" مشکلات شهيري و در عين حال تيلوري بارزانه از ناپواي وليم وصال و در مقابله با ناراضگي توده مسان.

به همد از لاي کلمات " قصار" اين تلفظ يکسانست - يک مسجر -

فکر کن از هان از روي توده هاي اساسي و ريشه اي جامعه بروي کت ستر مشکلات روزمره و طمس و خوي از توده هاي اساسي ستر مشهود. دوم باشيد آب سرد بروي ناراضگي توده ها " افراز کردن " به گويدوها و ناراضگيها و نوبه نانواني دولت در حل آن و سوسن و اساسي ترين آنها آماده کردن از هان رستمگان جامعه براي پرداخت مالقات و خراج توده چندان به دولت و در دن کسلا م تدارک نشده به انتشار چماق و غارت آتلور که لازمه ارائه خدمات ستر را حکومت محمد رضا شاه در سال نويين است.

سختياني نظير " شهيد ادي تهران" ۱۰۰ توده است مختلف عده ميکنند که مردم فقط از چند نمونه آن آگاهي دارند " يا " خدمايي که براي عمران منطقه نيشابان پهلوي مشهود پنج ملسن پايد و خرازو ستر هم رسد در ستر اين خدمت مات قرار ميکند در هيچ کهاي دننا شاه ندارد. " ناله هاي در نوبه بود دران کسري چون جناب " نبي " و مال مردم خوي آنها و در ستر است. براي بوم فريبي و حفظ اندازي است. اين بويست مگر ستر مردم گويد. اصلا در نيهر نسنند که آثار شوم خدمات آنها را بسند. از حطه " خدمايي" که کانه ان شهيد را ر لوله کني و آسالت کاري و خياشاي سدي " نيشابان پهلوي" است. خطه وسيعي در کنار بزرگراه " خدمايي" که در نيهر است " مال درباري و ستموار و کوشکهاي ساختماني مختلفه که ملای با خود کنترل با شريك باند خرويش فرورتي پهلوي ميانند. در حالي ديگر ۱۰۰۰۰۰ نفر هم در ستر

برای درهم شکستن "رستاخيز" شاه - امپرياليسم آمريکا پيا خيزيم

وقایع اخیر:

کتاب درسی

در چند ماهه اخیر مرتبانه ما و کتابهای درسی و کتابهای درسی در باب نبودن کتاب درسی دیده میشود چنانچه قریب ۱۰ آذر به میمنت "نا انکه تر ساه" از شروع به این مکتوب در تشریح و تبیین از کتابهای درسی استفاده میکنند برای مثال دانش آموزان کلاس پنجم کتاب تعلیمات اخلاقی ندارند ولی معلمین این کتابها - مری را جز تکالیف روزگار ندارند میدانند. حال این است که جهت رونق بخشی شماره و صفحه آن را هم ذکر میکنند آیا باعث تعجب نیست که کتابی که موجود است - ارد صفحه آن وجود داشته باشد.

بعد از گذشت چندین ماه از آغاز سال تحصیلی تعداد معدودی کتاب چاپ میشود که فقط در چند مدرسه بالای شهر توزیع میگردد. اگر ابراهیم خردی امروز وجود نداشت تعجب نمیشد چرا که اگر کسی مختصر آشنایی با اوضاع ایران و روزم خاتم بر آن داشته باشد باور میکند که بحران اقتصادی سیاسی که امروز بر کلبه نشین سلطنت حاکم است نظام آموزشی ایران را نیز زیر تعجب نگذاشته است و دانش آموزان به هیچ وجه نمیتوانند از کتابهای درسی استفاده کنند.

خاندان مرتجع پهلوی هنوز در طول حیات ننگیشان بر دوش خود را با علم و تحصیل باثبات رسانده اند. بی دلیل نیست که رژیم سرگرد پهلوی قیمت نظم بودجه ایران و تروت رژیم ایران را به امر نظامی و وظیفه نظامی گریختار محاسبه می دهد. در حالی که بودجه نظامی ۶۷ درصد از کل بودجه میباشد بودجه آموزش ۱۶ درصد کل بودجه کشور میباشد. تمامی این مقدار در مورد آموزش بلکه صرف خرج برنامه ساواکی آموزش سیاسی و صرف دردی های امر اداری میشود. هر ساله به عنوان مختلف از حقوق معلمین کسبه میشود به همین جهت روزی نیست که دستها بسته معلمین از شغل خود استعفا ندهند. چرا که با حقوق نازل که

میکرند حداقل زندگی شان هم تامین نمیشود. مدرسه بیست مدرسه بسته میشود (چرا که امکانات تحصیل در آنها موجود نیست) و امروز هم محکم کتابهای درسی که خود حاصل بحران اقتصادی امروز کتابهای درسی است که نایاب مباد اولیه چاپ و کفالت و غیره را شامل میشود اکثر چاپخانه ها بسته میشوند و عملاً دولت نمیتواند از عهده چاپ و تهیه کتاب بر آید. این تازه یک طرف قضیه است جانب دیگر بوروکراسی و بودیگی حاکم بر کل نظام آموزشی است که بحران کویسی سیستم آموزشی ایران را بار آورده است. امروزه رژیم شاه حتی قادر نیست در چهار چوب همین سیستم پوسیده و فاشیستی هم به ابتدائی ترین خواست مردم ایران پاسخ گوید. و ما هرگز نمیشود در این سیستم بوروکراتیک عملاً در تعداد نویسی استفاده

و متنگی دیگر نیاز مبرور. شاه عاشق با وفاقتی که خواست همس جوانان مرتجعتر میباشد در خشنای حضور ۲۵۰۰ ساله بوده ساختن ۲۵۰۰ مدرسه را میدهد که هنوز که هنوز است اساتذگان و اولیا آن نیز شروع نشده است و لیست مدارس که در ۱۸۰ هزار معلم کمبود داریم. طبق آمارهای خود دولت به میان بفرمایید که در سن دستان رسیده مانده از حق رفتن به مدرسه و تحصیل علم محرومانه و بالاخره اینکه آنچه تاکنون به عنوان آموزش به محصلین تزیین نموده اند چیزی جز پر نمودن مغز آنها از یک مشت کتابهای غریب از هر گونه محتوی علمی و تمدنی ایدئولوژی آریامیری تحت عنوان آموزش ملی "مردمانست" بوده است و بیرون همگانی (فانسیسم -

ساختاری) نگذاشته شده اند. حق مسلم این است که خلق زحمتکار ایران زمانی به تحصیل واقعی علم دست یابند که مدارسشان را خود و بر ویرانه های کال - خرابی این خاکن به زمین بنا نهند.

بزرگترین گران شد

از هفتاد و یک درصد افزایش قیمت بنزین ۲۵ درصد افزایش یافت. از این پس بنزین معمولی لیتری ۸ ریال (در سابق ۶ ریال) و بنزین سوپر لیتری ۱۰ ریال (در سابق ۷ ریال) معروض میگردد. از ده خواهد بود. اولین سوالی که در نظر هر ایرانی مسافری حضور کند و میکند اینست که چرا بنزین گران شد؟ چرا بنزین که یکی از احتیاجات روزانه عده کثیری از مردم است گران شد در حالی که حکومت محترم شاه هر روز در تظاهرات باره مبارزه بسا گرانگروشی "هواست" جواب بسیار ساده است. حکومت محترم شاه خائن سخت در مضیقه مالی و اقتصادی و با نفوذ خودشان در تنگنای اقتصادی "قرار گرفته است و برای بیرون آمدن از این مضیقه خلا می نشینی چاره ای جز

یافتن استانداردهای مردم ندارد. حکومت خائن شاه که سراپا وابسته به بیگانگان جهانخوار بوده و تمامی حرکتش برای چاپیدن ایران و ایرانی بسود اربابان آمریکایی و انگلیسی و... و حتی چند از درباریان و اطرافیان است اقتصاد ایران را به آنگران فلاکی کشانده که در طول تاریخ بی سابقه میباشد. شاه خائن که چندین بار رسیده به "دروازه های تمدن بزرگ" دم سیزد بناگهان خود را مواجه با میلیارد ها دلار گسری بویخته یافت. با چنین آمدن در زمان نفت و ورشکستگی اقتصادی داخلی و انتقال بحران جهان سرمایه داری تنگنای اقتصادی "بین از پیش خونی جلودگر باختند. در مقابل ما این "تنگنا" حکومت مستبد و طا -

شیست محمد رضاشاه از سویی دست استعراض بسوی امریالیست ها دراز کرد و باز سوی دیگر چاره ای جز به بیخ بستن مردم نمیتواند داشته باشد. و در پرتو این چنین سیاست خائنانه برانده ای است که به انواع و اقسام مختلف مردم را به بیخ و خراج مستبدانه میبندند. "بجرم گرانگروشی" از کسبه خود میا ملیونها تومان میدزدند. بنام کنترل ترافیک ۵۰۰ تومان... و نوبان از راهندگان چهره میستانند بناگهان بفرمایند عیب افتاده چند سال پیش میبندند مالیات - تنهای غیر مستقیم را که فشار عده امیروری اکثریت بود یعنی زحمتکاران میبندد بالا میبرد. مالیاتهای مستقیم را افزایش میدهد به شیوه تالیفات مایهانه از هر سو ضربه و بالا بردن بهره وری کار یعنی استعاض شدیدی تر کارگران و سود بیشتر برای سرمایه داران وابسته را سر میبندد... و بالا بردن قیمت بنزین نیز ادامه همین چاپیدن و بیخ گیری از مردم زحمتکاران است که اکنون (کسبه بزرگ مثل اینکه خیلی نرسیده است) حکومت پهلوی و وابسته تر بارسان چهلوی را چند صباحی بیشتر بر سر پا نگاه دارند. با خیالی ساده میتوان دریافت که از این خیمه شب بازی غارتگران یعنی افزایش قیمت بنزین صد ها میلیون دلار از مردم میزداید و در جیب دولت و دست راستی میگرداند.

و با اینهمه رستاخیز ارگان فاقسم پهلوی وفاتح آن را دارد که نمیتواند به طور کلی بافت در سالها افزایش قیمت بنزین مساله در آمد بیشتر برای دولت... در درجه آخر اجماع قرار داشته (۸ فروردین ۱۳۵۶) سیاست لیکس در تقاطع بیناگره که کسبه بالا رفتن قیمت بنزین برای افزایش ناخ شناسایی حکومت محمد رضاشاه از مردم برده است و هیچ دلیل دیگری نیز بر آن تصور نمی توانی لاطلاعات روزنامه رستاخیز در مورد بالا رفتن "درآمد سرانه مردم به ۲۰۰۰ دلار" دروغ است چه با حسابی ساده میتوان دریافت که درآمد سرانه بقیه در صفحه ۷

برنامه نگاه سخن پرانی سی. سی. ای. (شرکت مخابراتی کلمیا) زیر عنوان "ساواک" را در برنامه "۱۰ دقیقه" خود در معرض دید بینندگان آمریکایی گذاشت.

اجزای این برنامه که خود ساکنان نشسته به تناقضات درونی محافل امریالیستی و تحت تاثیر مبارزات گسترده و افشاگرانه جنبش دانشجویی خارج از کشور میباشد. حاوی تائیدی صمیمی است که باید مورد توجه حشیر دانشجویی ما قرار گرفته و بر -

یکم اینکه اجزای این برنامه تلویزیونی و سایر جریاناتی که اخیراً از جانب برخی محافل امریالیستی در اصطلاح "مبارزه با تروری و خفقان رژیم شاه" سراف "نفاذ است" در عین تنه به تناقضات درونی مرتجعین و گوشت های عوام فریبانه آنها بیانگر اشتیاق فراوانی است که مبارزات افشاگرانه جنبش دانشجویی خارجه در میان افکار عمومی و مردم آمریکا و جهان جا گذاشته است. امروز بلطف همین مبارزات افشاگرانه رژیم در دست محمد رضا شاه در میان افکار عمومی به یک پول سياه تبدیل شده و به حق مورد نفرت افکار مردم جهان قرار گرفته است و همین افراد روز افزون رژیم وابسته شاه که به خاطر بن صبری های پاره ای از محافل امریالیستی بلکه به سبب مبارزات افشاگرانه حشیر دانشجویی است و از جمله امریالیست آمریکا را مجبور به اتخاذ استعاضی "مخلف با فاقسیم در ایران" کرده است نیز در از دستگارت سخت می گویند تا به جبهه صفو امریالیسم آمریکا مانع "انسان دوستانه زنده بود این راه دست به پاره ای برخاسته های مصلحتی به بعضی از سگان زنجیری این امریالیسم و از جمله رژیم شاه نشین رفت. اقتضای حشد و راهی بغایت انحرافی خواهد بود اگر به این مانورهای مصلحتی دل بسته شود. و با به این ریاکاریها چشم امید دوخته گردد. مخالف امریالیستی میگویند تا زمینه بسیار مناسبی که مبارزات جنبشها در میان افکار عمومی بیار آورده است را سود خود. و مانورهای خود برگردانند و بر جنبش دانشجویی ما فرض است که با باید اری بروی مواضع نهضت انقلابی خای برده از این تزیورها برگردد.

دوم اینکه تهیه کنندگان این برنامه مزدورانه گویند که تا پاره ای عناصر میز و نشان خورده طرفدار و حامی سوسیال دگرسانی اروپا و یا عناصر وابسته به "سیا" و در حناج با اصطلاح "لیبرال" هشت حاکمه آمریکا را بجای نمایندگان اروپاییین مرتعی ایران در خارج از کشور و جنبش دانشجویی نشانده و بدین ترتیب برای بنام بند کار مبارزات گریز کند و ایان را بعنوان آلت زناشوی شایسته به مردم آم -

ریکا بفرستد. از جمله این عناصر ناصر افشار "پانزر" حمیده فارسی زبان بخشی از هیئت حاکمه آمریکا و "سیا" میباشد. ناصر افشار چندین سال است که با پول و کارهای امریالیسم آمریکا روزی نامه ای بنام "روزنامه ایران آزاد" را چاپ می -

زند و امریالیسم آمریکا سخت گویند و است تا این نوگر خوشخند شتر را بعنوان نماینده اروپاییین مرتعی خای زنده و حتی برای وی "خرامه" و "دولت در تبعید" و "حزب دگرگات ایران" و "کمیته جمهوری ایران" نیز بدین ویا کرده اند. در تکرار بر ملا کردن ماهیت این سگ دست نیوس گاج سفید. سبب نبوده هاست که نیستوان شاهد آورد و ما فقط برای آشنا شدن دانشجویان همین بوسه تا ماهیت این فرد پست فطرتی چند نبوده بسنده می کنیم. به دنبال انتساب هنری گیسبهر ایست

بقیه در صفحه ۱

بقیه در صفحه ۱

بقیه در صفحه ۱

بقیه در صفحه ۱

بقیه در صفحه ۱

بقیه در صفحه ۱

بقیه در صفحه ۱

بقیه در صفحه ۱

بقیه در صفحه ۱

آدرس: 73 Karlsruhe Postfach 1953 W. Germany P.O. Box 414 Berkeley, Ca. U.S.A. 94704

بهر ایران بفرستید

کارگر، دهقان، دانشجو پیروز است

اول ماه مه روز طبقه درویناساز و پرافتخار کارگر فرارسیده است و تمام دانشجویان مبارز سرتاسر جهان نیز با شور و شغف با استقبال جشن کارگران جهان می شنایند.

اول ماه مه پیشک باید روزی باشد که جنبش دانشجویی ما عهد گسست نابید و میوزاتی خود را با طبقه کارگر تجدید کرده و پرومبارزه غارخماز و بند گسل طبقه کارگر قهرمان ایران و جهان این بگذارد و با شمار "کارگر، دهقان دانشجو پیروز است" همبستگی اساسی خود را در پیوند و خدمت به میسرار است.

زحمتکاران ایران به ظهور رسانند. در خارج از کشور در جنبش روزی جنبش دانشجو می ما در کار طبقه کارگر کوههای سرمایه داری این روز پیشکوه را برگزار میکند و دور نخواهد آنروزی که خواهران و برادران ما در دیون کمزور در کار مستشاری کارگران قهرمان ایران چنین بزرگداشتی را برگزار کنند و با هدای بلند به همنس اعلام نمایند که ما در کار طبقه کارگر و زود در دفتر پرافتخار این طبقه مبارزه کرده و بیوزری نمایم را به دست خواهیم آورد و جز این نیز نتواند بود.

میان جنبش دانشجویی ما و نهضت زحمتکاران و خاصه طبقه کارگر ایران سران پیوندی عمیق و مستحکم برقرار است که در طول بیش از ۷۰ سال تاریخ جنبش دمکر اینک و استقلال طلبانه خلق آبدیده شده و شکل گرفته است. از همان دوران نهضت مشروطیت که محصلین و دانش آموزان بدست استبداد دگرگاری ایران دستنه دسته به یاری مشروطه خواهان میشتافتند و بعد ستر مجاهدان آذوقه رساننده واد در دوران نوز سیه نیزه نظامیه و روزه پیش میگردند تا دوران فعالیت حزب کمونیست ایران و حکومت سیه خارجی که دانشجویان مبارز عضو سازمان حزب در مدارس عالی تهران و کعب و مدارس خراسان و آذربایجان فعالیت می نمودند و سله "لینینک جوان" که بیانگر اتحاد دانشجویان و جوانان و جنبش کارگری ایران بود را دستور کرده و بخش می نمودند و چون خود رهبران پر ارضی چون

حجازی شهید (عضو سازمان جوانان حزب و کارگر چاپخانه) را داشتند و در میان دانشجویان نیز مبارزه و همگامی با زحمتکاران را تبلیغ می نمودند. در زمان فعالیت گروه دگرگاران شهید که دانشجویان مدارس عالی و دانشگاه بگردن طبقه زده و با کسب انتهای انقلابی مست مبارزاتی خوش را ترسیم می نمودند. متنسنا

سالهای ۳۲-۳۳ که هزاران دانش آموز بر طبقه رژیم و پشتیبانی از مبارزات طبقه کارگر ایران متشکل شده و مبارزات وسیع را در افن زندان آغاز می نمودند جنبش دانشجویی ایران و تظاهرات انبوسرانی سال ۳۴ که در آن داد

بنیادین با طرح خواسته های مردم زحمتکار به مبارزه برخاستند و تظاهرات وسیع و سرتاسری دانشگاهها به هنگام برگزاری محصکه های رژیم و طنین افکندن شمار "ملت گسسته" جشن ۲۰ ساله میخواستند و "تا ترک نیکانورها و ستنه سرتزین رژیم سلطنتی تا بیوزری کامل زحمتکاران نهضت ادامه دادند" تا مبارزات گسترده سالهای اخیر جنبش دانشجویی و بزرگاری تظاهرات در پشتیبانی از

انقلابی طبقه کارگر و زرفولای شعار "کارگر، دهقان، دانشجو پیروز است" "زنده باد کارگر" و شرکت دانشجویان مبارز نیز در مجلس ترجم جهان صالح کارگر شهید و قهرمان نیز برای اینها و دهها وسدها نموده مبارزه دگرگاران میبند که جنبش دانشجویی ما از پیوندی عمیق و تاریخی با جنبش زحمتکاران و خاصه طبقه کارگر ایران برخوردار بوده و با وجود کمبودها و کاستی ها در مورد غالب شدن شی رژیم پستی بر این جنبش را دوره های احوالات آن همواره

جنبش مستو سین را داشته و در جهت تکوین آن کم برداشته است. مستگیری جنبش دانشجویی بسوی زحمتکاران هیچ رویکظرفه نبوده است و طبقه کارگر قهرمان ایران در تالیان ستادی مبارزه اش همواره از جنبش دانشجویی و خواسته های بحق دانشجویان حمایت کرده و نیروی خود را در بر آورد آنها یکبار انداخته است.

در جنبش دانشجویی خارجه همبستگی بسوی زحمتکاران یکی از دست آوردهای مهم و اساسی جنبش دانشجویی و کمد راسیون میباشد و از جمله در مشهور صوبه گنگو ۱۶ کمد راسیون میخواند.

جنبش دانشجویی بخشی از جنبش دگرگاریک و همبستگی بسوی مردم ایران را تشکیل میدهد. همراهی و پیوند عمیق آن با جنبش مردم نامی از این حقیقت است که تا پیش وقت اجتماعی و سیاسی دانشجویان بدون تأمین حقوق اجتماعی و سیاسی نبوده های مردم و بدون بره های ملیونها بدون زحمتکاران جهان ما از سر بیخ ارتجاع و امریالیسم ممکن نیست. حق این امر تنها بدست نموده

بقیه در صفحه ۳

بقیه در صفحه ۳

بقیه در صفحه ۳

مردم ایران انتقام خون فرزندان قهرمان خود را از شاه جلا داد خواهند گرفت